

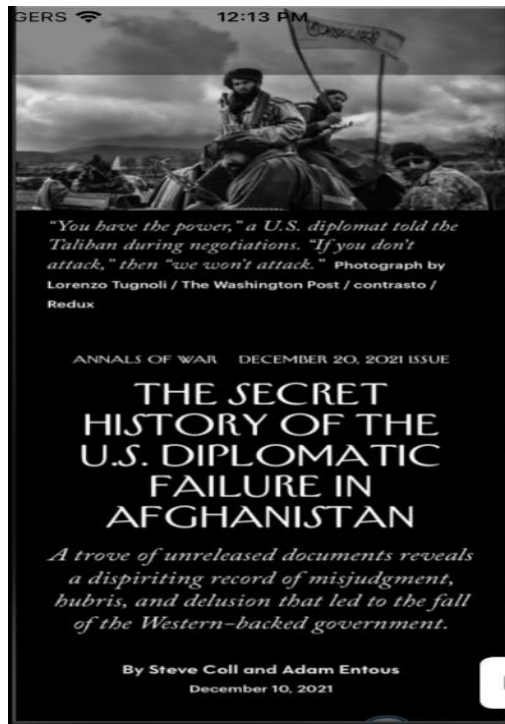


مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۲/۲۰

انجنیر فضل احمد افغان



## دیپلوماسی مخفی ایالات متحده در شکست افغانستان

مجموعه از تاریخ اسناد منتشر نشده، که بیانگر سابقه دلخراش توهم، یأس، قضاوت نادرست،

غرور احمقانه و فریبکاری که منجر به سقوط دولت تحت حمایت غرب گردید میباشد.

نویسنده گان: Steve Coll and Adam Entous.

د پانو شمیره: له 1 تر 25

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

- December 10, 2021

و

## تحليلها و تبصره های این قلم (افغان)

کانادا: ۱۵- فیروزی ۲۰۲۲ م

انجنیر فضل احمد افغان.

### قسمت اول.

## تحليلها و تبصره های این قلم (افغان).

هموطنان نهایت گرانقدر مقاله که تحت عنوان فوق به لسان انگلیسی به تاریخ ۱۰ دسمبر ۲۰۲۱ م به نشر رسیده بیانگر بعضی از واقعیتهای تلخی است که در باره سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان توسط دو ژورنالیست ورزیده امریکایی به نشر سپرده شده، خواستم خسته و جسته قسمت زیاد مقاله را به فارسی دری ترجمه به توجه شما عزیزان برسانم اگر کمی و کاستی در ترجمه به توجه شما میرسد امید من را با بزرگواری خود ببخشید و با باز نمودن لنیک مکمل مقاله در اخیر این نوشته حل مطلب فرمایید.

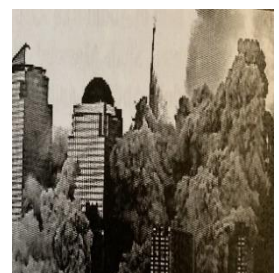
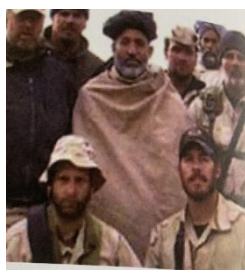
بلی باید به عرض شما برسانم که توطیه ها و دسایس دشمنان مادر وطن عزیز ما تنها از حادثه المناک یازده سپتمبر و تجاوز نظامی ایالات امریکا و انگلستان بتاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ م که منجر به اشغال افغانستان گردید نمیشود، بلکه از اوایل قرن نزده که پای انگلیس به هند رسید و امپراطوری ابدالی را به تدریج به افغانستان امروزی محاط به خشکه تبدیل نمود میباشد که البته من نمی خواهم در این مقاله درد سر شما شوم بلکه میخواهم در اخیر این مقاله از لینک های مقالات و ویدیوهای را که بیانگر دسایس و اهداف شوم امریکا و متحدینش بعد از کودتای نامیمون ۷ ثور ۱۹۷۸ م که آغاز بدبختیهای کشور عزیز ما الی امروز گردیده به توجه شما برسانم امید با باز نمودن لینکها، ویدیوها و فوتو های ذیل که خود حرف میزند به واقعیتهای پی ببرید. (لعنت به وطنفروشان).

فوتو های ذیل که خود حرف میزند به واقعیتهای پی خواهید برید.

بدا به حال انانکه غلامی را قبول کردند. وقتی غلام شدند مادروطن را خراب و جای خود را جهنم ساختند.



اتحاد رهبران امریکا و پاکستان برای شکست قشون سرخ و کمونیزم به خون ملت مظلوم و ستمدیده افغان.



د پانو شمیره: له 2 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

دسیسه و پروگرام جدید دیگری امریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر با دایر نمودن کانفراس بن و آوردن حامد ککرزی ( حامد ککرزی قبل از ورودش بکابل در حصار امریکایی ها در اورزگان دیده میشود)



مجوز کشتار و زندانی نمودن پشتونها توسط امریکا یها بنام تروریتها. امضای موافقتنامه نگین تشکیل دولت اشتراکی ع و غ. تحت فشار امریکا در حضور جانکری وزیر خارجه امریکا ، سقیر امریکا و نماینده خاص امریکا در امور افغانستان.



گفتو گوی صمیمانه پسران خاله (ملا برادر و زلمی خلیل زاد). مراسم امضای موافقه صلح بین طالبان و امریکا. مراسم کمر بستن ملا برادر توسط وزیر دفاع ترمپ و تقرر او بحیث خلیفه افغانستان.

خواهر و برادران هموطن شرح عکسها در اخیر این قسمت تقدیم میشود اما قبل از آن میخواهم توجه شما را به عکس نمبر (۴) فوق جلب نمایم و مشاهده خواهید فرمود که در زمان رایبیس جمهور ریگان گرفته شده و دیده میشود که داکتر زلمی خلیل زاد با استفاده نام افغان از آغاز پلانهای شوم امریکا تحت نام شکست کمونزم از بیدانسی جنایتکاران خود فروخته شده خواه، قدرتطلب و منفعتجوه استفاده، با دادن سلاح و پول هنگفت از کشورهای عربی به وساطت اسامه بن لادن که از فامیل سرمایه دار بزرگ عرب و دوست و شریک نزدیک سرمایه گذاری George H.W. Bush رایبیس جمهور اسبق اضلاع متحده امریکا و فامیلش بود و داکتر زلمی خلیل زاد نیز مشاور ارشد کمپنی یونیکال و روابط نزدیک با بنلادن داشت او از آغاز رسیدن پایش به امریکا برای منافع شخصی و اغیار پشت بمادروطن آبا و اجداد خود که از برکت زحمات و عرقریزیهای آنها صاحب دانش شده بود گردانید و آستینها را آگاهان ویا نا آگاهانه برای تباهی مادروطن خود و به خاک و خون کشیدن فرزندانش برزد.

در لینک ویدیویی صحبت هلیری کلینتن که در اخیر این قسمت میباشد خود اعتراف میکند که اینهای که امروز میجنگند ما آنها را تربیه و تجهیز نمودیم که روسها را شکست دهیم.

بلی خانم هلیری کلنتن راست میفرماید، "اسامه بن لادن در سال ۱۹۸۰م از طرف (سیا) موظف به جلب، تمویل و تربیه ۳۵ هزار اجیر غیر افغانی برای پیوستن به مجاهدین گردید و الی بین سالهای ۱۹۸۲م- ۱۹۹۲م تربیه شده گان و اشتراک کنندگان جنگجویان خارجی در افغانستان به ۱۰۰ هزار رسید تعدادی زیادی از اجیران استخدام شده پاکستانیانی بودند که در مدارس دینی که تعداد آن بعد از آزادی پاکستان الی خروج قشون سرخ از افغانستان در سال ۱۹۹۸م بکمک مالی امریکا، بریتانیا و کشورهای عربی از ۵۱ مدرسه به ۸۰۰۰ مدرسه رسمی و جمعاً مدارس رسمی و غیر رسمی به ۲۵۰۰۰ رسید و در همین مدارس یتیمان افغان که پدران خود را در جهاد و جنگ نابرابر در مقابل قشون یک ابر قدرت

د پانو شمیره: له 3 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

از دست داده بودند با شاگردان پاکستانی و کشورهای عربی یکجاء بنام طالبالعلم برای پیشبرد جنگ طولیالمدت در افغانستان و منطقه تحت تربیه گرفته شده بودند " (افغانستان و ظهور طالبان ص ۴۰۴ نویسنده احمد رشید پاکستانی)

روابط اسامه بنلادن نه تنها با فامیل بوش بلکه با رایس جمهور کلتن نیز گره خورده بود و اسامه بن لادن محبوبالقولب شان بود یعنی بتاريخ ۲۰ اگست ۱۹۹۸م در دوره ریاست جمهوری بیل کلتن بدون گذاشتن احترام به تمامیت ارضی افغانستان توسط فایر ۷۵ راکت کروز پایگاه های تروریستی اسامه بن لادن را در ولایات خوست و ننگره هار افغانستان تخریب کردند و در نتیجه ۲۱ نفر کشته و سی نفر را مجروح گردانیدند و اعلان کردند که هدف امریکا از فیر این راکتها تخریب پایگاههای تروریستی اسامه بن لادن بود نه از کشتن او بلی او را نکشتند بلکه او را برای اهداف آینده و استفاده از نام او نگهداشتند.

همچنان میخوام به عرض شما برسانم که اسامه بن لادن از قبل به انفجار مرکز تجاری جهانی در امریکا در سال ۱۹۹۳م و سپس بتاريخ ۲۶ جون ۱۹۹۶م به انفجاری پایگاه نظامی امریکا در عربستان سعودی و همچنان به انفجارات مورخ ۷ اگست ۱۹۹۸م در سقارتهای اضلاع متحده امریکا در کینیا و تانزانیا متهم بود اما بدون گرفتاری او (اسامه) و یا درخواست محاکمه او در سوآن و یا کشوری دیگری شود تقاضای اخراج او را از مقامات دولتی سوآن نمود و او را وادار ساخت که توسط طیاره شخصی اش که یک توقف برای تیل گرفتن در قطر داشت بدون گرفتاری اش وارد ولایت ننگره هار افغانستان شود.

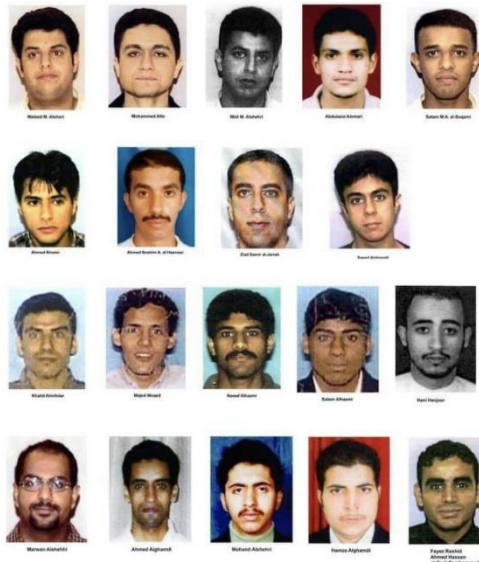
باید فراموش نکرد که قبل از حادثه ۱۱ سپتمبر امریکا یک نماینده خود را که افغان الاصل بنام محبت بود به پاکستان فرستاد که با طالبان مذاکره کند که اسامه بن لادن را به مقامات امریکایی تسلیم نمایند وقتی طالبان حاضر شدند که بنلادن را به یکی از کشورهای اسلامی که امریکا بخواهد تسلیم بدهند، امریکا قبول نکرد و دو روز بعد حادثه ۱۱ سپتمبر رخ داد، آیا این خود یک دسیسه نبود.

آیا طالبان امروزی که به نام طالبالعلم در پاکستان تحت نظارت اسامه بن لادن تربیه و تجهیز میشدند نیستند؟ و امروز بار دیگر برای رسیدن مرامهای آینده خود و بلعیدن ۳،۵ بلیون دالر بنام مصادره یعنی تادیه غرامات به بازمانده گان حادثه المناک ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م. از جمله ۹،۴ بلیون دالر منجمده شده افغانستان که حق مشروع ۳۵ ملیون ملت رنجدیده و بیچاره بیدفاع افغان است بردارند که پولهای منجمد شده نه از طالبان جنایتکار حاکم و نه از اضلاع متحده امریکا است بلکه از ملت مظلوم، رنجدیده و فقیر افغان ای که برای یک لقمه نان خشک و یک جرعه آب جان شربین خود را میدهند و به صدها هزار سرمایه های ملی افغانستان مخصوصاً زنان بیدفاع اما قهرمان افغان اعم از ژور نا لستان، قضات و دانشمندان را مجبور به ترک از آغوش مادروطن نموده اند و آنهای که در قید طالبان گروگان مانده اند و سيع وتلاش دارند که برای بقای زندگی بخور و نمیر خود و نورچشمان خود و حصول حقوق حقه فردی و اجتماعی خود قهرمانه در مبارزه اند میباشد. طالبان به حکم باداران خود میخواهند مادروطنما را یکبار دیگر به قرن حجر سوق دهند یعنی نه به حقوق بشری، نه به حقوق مدنی، نه به دین مقدس اسلام و نه به منشور سازمان ملل متحد احترام میگذارند و نه معنی دولت و دولتمداری رامیدانند بسیار ماهرانه و محیلا نه همه مسایل اجتماعی، سیاسی و حتی دفاعی را برای فریب جهانیان بصورت گنگ و بدون تفسیر به شریعت ارتباط میدهند.

به ارتباط منجمد نمودن ۹،۴ بلیون دالر افغانستان توسط امریکا بعد از ورود طالبان بکابل، باید عرض شد که این دزدی امریکا یک چیزی نوی نیست، ما بخاطر داریم که با وارد نمودن خمینی به ایران دارای های آنها را در امریکا منجمد نمودند (بعداً دولت آخدی با اقامه دعوا پولهای منجمد شده خود را حلقوم شان کشید) و همچنان با تجاوز نظامی امریکا به عراق در ۲۰۰۳م تمام دارای های آنها را به امریکا انتقال نمودند و نیز بعد از سقوط دولت لیبیا داراییهای آنها را به غارت بردند با وارد نمودن طالبان نابکار فریب خورده ۹،۴ میلیارد دالر ملت مظلوم و فقیر افغان را منجمد و حال به اساس فرمان رایس جمهور بایدن از مجموع پول فوق ۳.۵ بلیون دالر آنرا بنام تادیه غرامات به بازمانده گان حادثه ۱۱ سپتمبر قبل از فیصله محاکمه که در آن وکیل مدافع ملت مظلوم افغان اجازه نخواهند داشت از کیسه خلیفه بخشیده و دار و ندار ملت مظلوم و بیچاره را که از فقر و بیچارگی نورچشمان خود را برای بقای زندگی خود و فامیل خود میفروشند می بردارند، این است عدالت شیطان بزرگ، این است احترام به حقوق بشر، این است عدالت اجتماعی که ستمداران امریکا بدفاع از آن گلو پاره میکنند." (تبصره افغان)

آیا همین انصاف و حمایت از حقوق بشر است؟ چرا اسامه بن لادن را که برای اعمال جنایتکارانه گماشته بودند و القاعده را که رهبری ان در دست اسامه بنلادن بود و خود بارها القاعده و اسامه بن لادن و دیگر رهبران طالبان را در آغاز اشغال افغانستان بسیار محترمانه از توره بوره از ننگرهار به پاکستان کشیدند و بعد از حادثه المناک ۱۱ سپتمبر محمد عطای مصری را که عضوه فعال القاعده و مهندس تراژدی ۱۱ سپتمبر نامیده میشود، مسول میدانستید و بعد از چندین سال ۲۰۱۱م در یک صحنه سازی اعلان کردند اسامه بنلادن را در یک عملیات در یک کمپ نظامی پاکستان بقتل رسانیدید و اظهار داشتید که جسمش در بحر انداخته شد در حالیکه بینظیر بوتو در سال ۲۰۰۷م در مصاحبه خود با Dived Fox یکرور قبل از ترورش در مبارزات انتخاباتی اش در

مقابل پرویز مشرف در پاکستان به سوال Dived Fox که اسامه کجاست؟ بینظیر بوتو گفت که اسامه بنلادن قبلاً کشته شده ( میتوانید مصاحبه بینظیر بوتو را با David Fox تحت عنوان Benazir Butto-Bin Laden is dead 2007 در youtub.com ببینید) همچنان سوال وارد میشود وقتی صدام حسین را در ۲۰۰۳م بقتل رسانیدند بسیار تحقیر آمیز بدون احترام به کرامت انسانی حتی دندانهایش را به جهان نشان دادند اما جسم اسامه بنلادن را برای کسی نشان ندادند حال چرا از طالبان که به هیچ نوع نمایندگی از ملت افغان نمیکند و یکی از زنده نفر که در عکس ذیل نشان داده شده به شمول محمد عطا که نفر دوم از طرف چپ است یکی هم افغان نیست، نیز همه اعراب بودند چرا از ملت مظلوم و بیگناه افغان غرامت میخواهند آیا بیش از ۲،۵ میلیون افغان که در ۴۳ سال قربانی دسایس قدرتهای وقت شدند و هلیری کنتن اعتراف میکند، این اشخاصی را که امروز میجنگند ما تربیه کردیم بلی واقعت است که اینها تربیه و تجهیز کردند. آیا دولت ایالات متحده امریکا در وقت ریاست جمهوری جمی کارتر برای کشیدن پای اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان ششماه قبل از تجاوز قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی به جنایتکاران خود فروخته شده که در پاکستان بودند پنجمد ملیون ندادند( ویدیو ای اخیر این قسمت را بشنویید) آیا ۲،۵ ملیون افغان که امریکا و اتحاد جماهیر شوروی وقت مسبب آن بودند انسان نبودند و فامیلهای شان که نان اور خود را بنابر دسایس اغیازاز دست دادند و امروز به کاسه گدایی نشسته اند مستحق درخواست غرامت از امریکا، اتحاد جماهیر شوروی وقت و جهان نیستند؟ اینها اگر روس بود و یا امریکا همه غارتگران بودند و میباشد به خون ملتهای ضعیف و ناتوان زندگی میکنند خداوند جزای ظالمان را در این جهان و آخرت بدهد.؟(تبصره افغان)



زنده جنایتکار عرب که اتهامات حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م با آنها وارد گردیده بود و منابع امریکایی نشر کرده بودند. لطفاً برای دریافت واقعیتها لینکهای ذیل صوتی را که بیانگر واقعیتهای تلخ میباشد از زبان خود امریکای ها بشنویید لینک ذیل یکی از مقالات من است که به نشر دو ویدیوی پرده را از دسایس امریکا از سال ۱۹۷۸م یعنی قبل از تجاوز اتحاد جماهیر شوروی را افشا میکند.

<https://www.facebook.com/100023506912625/posts/980649646061923/?d=n>

در لینک ذیل ببینید جورج بوش پدر جورج دبلیو بوش کوچک در روز حادثه ۱۱ سپتمبر با فامیل بن بلادن ملاقات داشت.

د پانو شمیره: له 5 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

جنرال امریکایی: در لینک ذیل میگوید که بزرگترین ناکامی ما در افغانستان بقدرت رساندن اتحاد شمال بود، هم در کنفرانس بن و هم در ساخت حکومت وحدت ملی.

<https://fb.watch/b6SxmPdLKG/>

قسمت دوم.

## دیپلوماسی مخفی ایالات متحده در شکست افغانستان

مجموعه از تاریخ اسناد منتشر نشده، که بیانگر سابقه دلخراش توهم، یأس، قضاوت نادرست، غرور احمقانه و فریبکاری که منجر به سقوط دولت تحت حمایت غرب گردید میباشد.

نویسنده گان: Steve Coll and Adam Entous.

ترجمه انجیر فضل احمد افغان.

۱- "رئیس جمهور جو بایدن بتاريخ ۱۴ اپریل به طولانی ترین جنگ در تاریخ ایالات متحده پایان داد و اعلام کرد که آخرین عساکر باقی مانده بتاريخ ۱۱ سپتمبر از افغانستان خارج میشوند در اواخر هفته های بعدی، طالبان ده ها ولسولیاها را اشغال و نزدیک به شهرها شدند، در اواسط جون جمهوری اسلامی دیموکراتیک افغانستان یعنی جمهوری شکننده که بعد از حمله ۱۱ سپتمبر توسط دیموکراتهای افغان، عساکر ناتو و تکس دهنده گان امریکا ایجاد گردیده بود معلوم میشد که در حالت هلاکت است اما هنوز هم رایس جمهور اشرف غنی به کابینه خود اطمینان میداد که جمهوریت دوام میکند. "رنگینه حمیدی وزیر سر پرست معارف میگوید که ما را اطمینان میداد و تشویق میکرد و غنی برای ما خاطر نشان میکرد که "امریکایی ها تعهد نکرده اند که در اینجا برای ابد بمانند" (ص ۲ مقاله)

۲- بتاريخ ۲۳ جون، غنی و مشاورانش سوار جت کام ایر شدند که آنها را از کابل برای ملاقات با بایدن در واشنگتن دی سی برد. زمانیکه طیاره بالای او قانیوس اطلس پرواز میکرد، آنها در روی فرش کابین نشستند و بالای موضوعات گفتگو با بایدن را روی بحث گرفتند. مقامات افغانی میدانستند که بایدن دولت آنها را نا امید و نا کارا میداند. به هر حال، غنی این را توصیه میکرد که باید "ما برای امریکایی ها پیام وحدت شکست ناپزیر خود را نشان بدهیم" تا امریکایی ها را متقاعد به حمایت بیشتر در جنگ با طالبان را حاصل کنیم، امرالله صالح، معاون اول رایس جمهور گفت که تصمیم بایدن در مورد اخراج، زدن "خنجر از پشت" است، اما با بیمیلی به یک رویایی گلگون "موافقه کردند". (ص ۲ مقاله)

۳- بایدن بعد از ظهر ۲۵ جون از غنی و مشاورینش در دفتر بیضوی استقبال کرد. بایدن گفت: "ما بدون پلان خارج نمیشویم" او از جیب پیراهنش کارتی را بیرون آورد که روی آن تقسیم اوقات اخراج و تعداد جان باختگان امریکایی را در افغانستان و عراق بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر را نوشته بود و آنرا به غنی نشان داد. غنی "مقابلاً قدردانی از قربانیان امریکایی کرد" و گفت "هدف ما در ششماه آینده با ثبات کردن وضع است" و وضع افغانستان را چون زمان "لینکن Lincoln" توصیف کرد. (ص ۲ مقاله)

غنی گفت: "آنچه من و افغانستان میدانیم این است که ما در کاخ سفید یک دوست داریم."

بایدن پاسخ داد: "شما یک دوست دارید".

غنی درخواست مشخصی کمکهای نظامی را کرد. آیا ایالات متحده می تواند هلیکوپترهای بیشتری بدهد؟ آیا قراردادیان امریکایی به همکاریهای لوژیستیکی خود به نظامیان افغان ادامه خواهند داد؟ قرار اظهارات حاضرین ملاقات جواب بایدن مبهم بود.

۴- بایدن و غنی همچنین در مورد امکان توافق صلح میان جمهوری اسلامی و طالبان گفتگو کردند. دیپلماتهای امریکایی و طالبان از سالها در مورد خروج ایالات متحده مذاکره میکنند و گفتگوهای صلح جداگانه بین شورشیان و کابل را زمینه سازی و تقویه

میکنند. اما معلوم میشود مذاکرات به شکست مواجه و طالبان می‌خواهند افغانستان را از طریق زور اشغال نمایند. به روایت مامور حاضر مجلس بایدن گفت امکانات اینکه طالبان "راه معقول را اختیار نمایند" بعید به نظر میرسد. (ص ۲ مقاله)

۵- یکی از مقامات افغان حاضر در مجلس یعنی شهزاد اکبر رابیس سازمان مستقل حقوق بشر افغانستان به امریکایی‌های که در حقوق بشر، دیموکراسی و انکشاف در واشنگتن کار میکردند گفت که او متعجب شد که بایدن گفت (امکانات اینکه طالبان راه معقول را اختیار نمایند بعید به نظر میرسد) معنی این را میدهد که اکثر امریکایی‌ها به نتیجه رسیده‌اند که افغانستان یک هدف گمشده است به نوعی با خود صلح نموده‌اند. آنها از او پرسید که خودت چه راه برای اخراجت از افغانستان و مهاجر شدنت گرفتی، او جواب داد که بعد از سفر رسمی ماندم تا بیانیه ۴ جولای بایدن را شنیدم در آن او گفت (ما در شرف دیدن آینده درخشان هستیم) با شنیدن آن تمام شب گریستم. اکبر گفت که او به کابل بازگشت از یک سفارت به سفارت دیگر میرفت که برای همکاران خود ویژه بگیرد. (ص ۲ مقاله).

۶- نویسنده مقاله بعد از مقایسه مذاکرات صلح ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۸م را با صلح در افغانستان مقایسه میکند می‌نویسد که: "فصل اخیر جمهوری اسلامی مسیری کاملاً مشابه را دنبال کرد. برای سال‌ها، مذاکرات صلح به دلیل امتناع طالبان از مذاکره با دولت افغانستان متوقف شد اما در سال ۲۰۱۸م دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مصمم گردید که جنگ باید با شمولیت و یا عدم شمولیت رابیس‌جمهور افغانستان خاتمه یابد. و زلمی خلیل‌زاد را بحیث نماینده خاص خود تعیین کرد که مستقیماً با طالبانکه نماینده‌گان در دوحه دارند مذاکره کند، خلیل‌زاد دیپلمات ۶۸ساله افغان الاصل که دوکترای خود را در امور سیاسی از پوهنتون شیکاگو گرفته بود و از سال ۲۰۰۳م الی ۲۰۰۵م در دوره رابیس‌جمهور جارج دبلیو بوش سفیر امریکا در افغانستان بود هدایت داد و هدایت رابیس‌جمهور واضح بود؛ با طالبان موافقه کن که عساکر امریکایی به اسرع وقت خارج شوند". (ص ۳ مقاله)

۷- بتاریخ ۲۰ فبروری ایالات متحده و طالبان موافقتنامه‌ای به نام توافق نامه برای آوردن صلح به افغانستان را امضاء کردند ایالات متحده آمریکا. متعهد شد در صورتی که طالبان القاعده و گروه‌های تروریستی را ترک گویند، و با حسن نیت مذاکرات را با جمهوری اسلامی آغاز و سبب نمایند که خشونت در کشور کم شود، تا ماه می ۲۰۲۱م تمام نیروهای رزمی خود را خارج می‌کنیم. طالبان نیز قول دادند که به نیروهای امریکایی و ناتو که امدادگی برای اخراج می‌گیرند حمله نمی‌کنند. اما به حملات خود به نیروهای افغان ادامه می‌دهند، به هر حال بسیاری از قسمتهای موافقتنامه نشر نگردید و به دولت افغانستان نیز در موافقتنامه اشتراک داده نشده بود. (ص ۳ مقاله)

"اگر به معاهده صلح در لینگ که در اخیر این قسمت است متوجه شوید دیده میشود که در موافقتنامه قطعاً رعایت حقوق بشر و احترام به حقوق زنان، آزادیهای مدنی و دیموکراسی که دولتمردان امریکا و متحدین غربی اش از حمایه آن در جهان گلو پاره و اکثر کشورها را به عدم رعایت آن متهم میکنند در نظر گرفته نشده و امروز ملت مظلوم و ستمدیده افغان درد آنرا میکشد و طالبان به استناد موافقتنامه هرچه می‌خواهند میکنند و امریکا و جهان که از دیموکراسی و حقوق بشر که رعایت آن جز مهم منشور ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم و تاسیس سلزمان ملل متحد میباشد طفره می‌روند. متن مکمل موافقه صلح امریکا و طالبان در لینگ اخیر این قسمت." (تبصره افغان)

۸- تا آنکه، اتحاد بین واشنگتن و کابل - در باره آرزوی دیموکراسی، حقوق زنان و ملتسازی- به خاطر وارد نمودن اتهامات متقابل رو به تلخی می‌گراید. توافق صلح بین امریکا و طالبان اوضاع را به طرز چشمگیری بدتر کرد. چه توافقات شامل اسناد محرمانه کتبی و شفاهی بود، از جمله یک توافق بحث برانگیز مقرراتی بود که ایالات متحده را از کمک به نیروهای افغان در عملیات تهاجمی خود علیه طالبان منع می‌کرد. غنی که تا حد زیادی بی‌خبر از جریان مانده بود، او در تالش بود تا بفهمد که ایالات متحده با چه چیزی و چرا موافقت کرده، حتی زمانی که او متوجه شد به شدت اظهار مخالفت کرد. بعداً زمانی که طالبان به تعهدات خود با ایالات متحده عمل نکرد، اداره ترامپ تخلفات را نادیده گرفت. حمد الله محب، مشاور امنیت ملی او، گفت: «غنی احساس کرد که به او دروغ گفته و با او محیلانه عمل شده. (ص ۳ مقاله)

۹- در طول جریان مذاکرات غنی بصورت غیر مستقیم با سیاسیون امریکایی که موافقه به دوام جنگ را داشتند در تماس بود (ص ۳ مقاله)

۱۰- چون لیندزی گرهم سناتور جمهوری خواه، که مدت‌ها خواستار ادامه حضور امریکا در افغانستان شده بود. او بعد از صحبت با غنی همیشه با مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ترامپ تماس می‌گرفت، وزیر خارجه ترامپ که در یک مقطع زمانی غنی را متهم کرده بود که او با تماس‌های خود مرتباً واشنگتن را علیه دولت ترامپ بسیج میکند، دیدگاه بسیاری

از مقامات وزارت خارجه، از جمله غیر حزبی. « دیپلمات های حرفه ای، این بود که غنی علاقه چندانی به مذاکره با طالبان نداشت. خلیل زاد گفت: او وضعیت موجود را ترجیح می داد. "تا او را در قدرت نگه داشت" باشد" (ص ۴ مقاله)

۱۱- در ماه جنوری، بایدن این قرارداد پراکنده را به ارث برد. او می توانست موجودیت نظامی آمریکا را بدون در نظر گرفتن توافق، طولانی کند، یا او می توانست که خروج تدریجی را که ترامپ ساخته بود ادامه دهد. بایدن که به عنوان معاون رئیس جمهور در دوران باراک اوباما به فرستادن نیروی بیشتر به جنگ مخالفت کرده بود، او آشکارا با شک و تردید اظهار میداشت که افغانستان هرگز نمیتواند به یک ملت واحد قابل امن تبدیل شود. او در مورد جمهوری اسلامی به همان اندازه خونسرد به نظر می رسید که نیکسن در مورد ویتنام جنوبی بود. تلاش عجولانه او که نیروهای باقیمانده امریکایی را از افغانستان خارج نماید، منجر به این شد که طالبان به سرعت کشور را اشغال نمایند، و باعث شد که صدها هزار مردم به آشفته گی از میدان هوایی بین المللی کرزی خارج شوند. که بحیث سابقه پاک ناشدنی او خواهد ماند. برای ۳۸ میلیون نفوس افغانستان غیر قابل مقایسه و باورناکردنی میباشد. طالبان تطبیق شریعت سختگیرانه را در کشور حاکم ساختند، که در نتیجه بلیونها دالر کمکهای خارجی را از دست دادند. و کشور در چنگال فقر دست و پنجه نرم میکند. (ص ۴ مقاله)

۱۲- بحث ها و تصمیمات در واشنگتن، کابل و دوحه که منجر به سقوط جمهوری اسلامی گردید عمدتاً در پنهان بود، صدها صفحه یادداشتهای مجالس، مسوده ها، متن ها، ایمیل ها و اسناد، با مصاحبه های گسترده با مقامات افغان و امریکایی، از همان ابتدا سوابق دلخراشی از قضاوت نادرست، غرور و توهم ارائه میکرد. (ص ۴ مقاله)

۱۳- اولین تلاش جدی برای مذاکره با طالبان را در نوامبر ۲۰۱۰م آغاز کرد ند. یعنی طالبانی را که ۹ سال قبل از آن، توسط ایالات متحده سرنگون شده بودند، طالبانی به تروریستهای القاعده را که مسول حملات ۱۱ سپتمبر بودند پناه داده بود. طالبان برای بازگشت به قدرت دست به شورش زده بودند و ریچارد هالبروک، فرستاده اوباما در منطقه، امیدوار بود آنها را متقاعد سازد که دست از جنگ بردارند و وارد سیاست افغانستان شوند. دیپلماتهای امریکایی و مذاکره کنندگان طالبان در مورد رسیدن راه حل و فصل صلح احتمالی میکوشیدند اما طالبان از همکاری با رئیس جمهور افغانستان، حامد کرزی که اولین رایس جمهور منتخب افغانستان دیموکراتیک بود امتناع کردند. و او را بحیث یک گدیگک هشیار غیر قانونی میدیدند. در مقابل کرزی با مخالفت به امریکا که میخواهد با دادن مشروعیت به یک گروه افراطگراه دولت او را سقوط دهد. (ص ۴ مقاله)

۱۴- در اواخر ۲۰۱۱م حامد کرزی در ملاقات بالای سفير ایالت متحده امریکا Ryan Croke فریاد کشید و گفت "شما من را فریب دادید." بالاخره رایس جمهور اوباما با گذاشتن احترام به کرزی مذاکرات دولت مشترک را تعقیب نکرد. و در اواسط ۲۰۱۳م مذاکرات با طالبان قطع. اوباما قبل از ختم دوره اش تعداد قابل ملاحظه عساکر خود در افغانستان یعنی صد هزار عسکر خود را خارج و تنها هشت هزار و چهار صد ۸۴۰۰ را برای مبارزه با القاعده، امارت اسلامی و همکاری با عساکر افغان برای مبارزه با طالبان را در افغانستان باقیماند. (ص ۴ مقاله)

۱۵- در سال ۲۰۱۷م رایس جمهور ترامپ General, H.R. McMaster را بحیث مشاور امنیت ملی مقرر کرد. McMaster پیشنهاد قوای هوایی و کمکهای استخبارتی بیشتر و موضعگیری سختگیرانه تر را در مقابل پاکستان حامی تاریخی طالبان نمود، ترمپ با این استراتژی موافقت کرد و به نظر میرسد و میباید گفت که صلح بین طالبان و جمهوری اسلامی ممکن امکان پذیر نباشد. "هیچ کس نمیدانست که آیا این اتفاق خواهد افتاد یا خیر" او گفت آگست. او تعهد کرد که نیروهای امریکایی در افغانستان الی شکست القاعده و عمارات اسلامی باقی خواهند ماند. او گفت "پیامدهای هردو یعنی خروج شتابزده قابل پیش بینی و هم غیر قابل قبول است" (ص ۴ مقاله)

۱۶- اما زمانی که این استراتژی نتوانست به سرعت جنگ را بگرداند ترامپ شروع به جستجوی راهی برای خروج کرد. (بعداً او شکایت کرد: "باید من از فراسط خود استفاده میکردم نه از ژنرالانم!") سال بعد، ترامپ مک ماستر را برطرف کرد و جان بولتون را که محافظه کار سرسخت و مفسر فاکس نیوز و در دولتهای جمهوری خواه قبلی خدمت کرده بود جایگزین او کرد. همچنان او مایک پمپورا که رایس CIA بود بحیث وزیر خارجه مقرر کرد. در تابستان ۲۰۱۸م، پمپنو با خلیل زاد که در تابستان بحیث نماینده اداره برای مذاکرات با طالبان تعیین گردیده بود مشورت کرد، "تصور می شد



که هیچ کسی دیگری وضع افغانستان و بازیگران افغان را بهتر از خلیل‌زاد نمی‌دانند سپس چارلز کوپرمن، یکی از مشاوران ارشد بولتون، همچنان گفت "کاندیدان زیاد دیگری افغان نبود" یکی از دیپلمات‌های همکار خلیل‌زاد گفته که ترامپ می‌خواهد تا شش ماه دیگر افغانستان را ترک کند، اما شاید بتوان او را متقاعد کرد که تا ۹ ماه صبر کند (ص ۵ مقاله)

۱۷-؛ هیچکس نمی‌داند که آیا و یا چه وقت عملی خواهد شد؛ او گفت در آگست. او وعده داد که عساکر امریکایی‌الی سرکوب نمودن القاعده و امارت اسلامی شکست بخورد، ادامه داد که عواقب اخراج فوری قابل پیش‌بینی و غیر قابل قبول است، او گفت. (ص ۴ مقاله)

۱۸=خلیل زاد کمی بیش از شش فت قد دارد و لبخند جزایی چون یک خر فروش دارد. الیوت گفت "زال بسیار دوست داشتنی است". الیوت آبرامز، همکار او در دولت جورج دبلیو بوش، گفت. «حس شوخ طبعی عالی. همیشه شوخی می‌کند.» سایر مقام‌گفتند که او در وقت جروب‌بحث؛ هیچگاه در صحبت کم نمی‌آید اما بسیار مشکل است که بفهمید که درباره چه صحبت می‌کند و چرا؟ کراکر گفت که دقیقاً در مورد چه چیزی و چرا صحبت می‌کند دوام می‌دهد که خلیل‌زاد او را به یاد ضرب المثل «فریا استارک» عربی می‌اندازد: "خوب است که حقیقت را بدانیم و آن را بگوییم، نه اینکه حقیقت را بدانیم و از درختان خرما صحبت کنیم" "به گفته بولتون، ترامپ یک بار در مورد خلیل زاد گفت: "شنیده‌ام که او یک کلاهبردار است، اگرچه برای این کار به یک کلاهبردار نیاز دارید." خلیل زاد با فهم اینکه ضرب المثلی که اغلب به هری اس. ترومن نسبت داده می‌شود، چنین توهین‌هایی را نادیده گرفت: «اگر در واشنگتن دوست می‌خواهی، یک سگ را بیاورید...» (ص ۵ مقاله)

۲۰- در اکتوبر ۲۰۱۸، خلیل زاد به کابل رفت، جایی که با غنی در قصر ارگ ملاقات کرد، محوطه‌ای به وسعت هشتاد و سه جریب دفاتر و اقامتگاه رئیس‌جمهور افغانستان. آنها نزدیک به پنجاه سال بود که یکدیگر را می‌شناختند. به عنوان نوجوانان در کابل در طول اواخر دهه ۱۹۶۰م، آنها تحت پروگرام دوجانبه به مکتب فیلد سرویس آمریکایی پیوسته بودند. (غنی به دریاچه اسوه رفت، اورگان، و خلیل‌زاد به سرس، کالیفرنیا.) در طول سال‌ها، به گفته دیپلمات‌های آمریکایی که با آنها کار می‌کردند، رابطه آنها شبیه یک رقابت خواهر و برادر شد. زمانی که غنی در سال ۲۰۱۴م نامزد ریاست جمهوری شد، نشانه‌هایی معلوم میشد که خلیل‌زاد ممکن است در حال بررسی پیشنهاد خود باشد که خلیل‌زاد آن را رد کرد. در جلسات به زبان دری و انگلیسی شوخی می‌کردند. که در مجالس خصوصی، هر کدام متقاعد به نظر می‌رسید که هر دو غرور و جاه‌طلبی بیش از حد رنج می‌بردند. (ص ۵ مقاله)

۲۱- غنی با تابعیت امریکایی پلانگذار در بانک جهانی بود. پس از سقوط طالبان، او به افغانستان بازگشت. به بحیث وزیر مالیه حامد کرزی خدمت کرد. او در سال ۲۰۰۴م دولت را برای پنج‌سال ترک کرد و سپس بعد از ترک تابعیت امریکا خود را برای ریاست جمهوری در برابر کرزی نامزد کرد و شکست خورد. زمانی که کرزی واجد شرایط برای یک دوره دیگر نبود، او در سال ۲۰۱۴م خود را مجدداً کاندید و به تفاوت بسیار کم از داکتر عبدالله وزیر خارجه قبلی در انتخابات که متهم به تقلب بود خودش بحیث راییس‌جمهور و بعد از تفاهم عبدالله بحیث رایس اجرایی شدند. (ص ۵ مقاله)

۲۲- غنی دوکترای مردم‌شناسی را در کلمبیا گرفت و گاهی بعد از تکمیل دوره تحصیل از مکتب فکر میکرد که به ریاست جمهوری خود نزدیک می‌شود او در دو اقامتگاه‌اش در کابل در حدود هفت هزار جلد کتاب در کتاب‌خانه‌های شخصی داشت، او در مجالس اغلب به ادبیات دانشگاهی صحبت میکرد. او به دنبال قدرت بخشیدن به کسانی بود که نگهبانان افغانستان، مدافعین حقوق بشر، متخصصین در امور اسلامی، ادارات رسانه‌ها و تجارتي باشند. از تحصیل‌کردگان، تکنوکراتها، شخصیت‌ها و سیاستمداران قبلی افغان را یاد و رد میکرد که مملکت را خراب کردند. اما دیپلمات‌های امریکا و جنرال امریکایی پافشاری داشتند که باید با اشخاصی چون کرزی، عبدالله و شخصیت‌های چون جنرال عبدالرشید که دارای اشخاص مسلح بود و شهرت غیر قابل انکار به تخطی حقوق بشر داشت و مقاومت قوی در مقابل طالبان بودند به کنار آید لهذا بسیار مشکل به نظر میرسد که در چنین شرایط بدون آنها به توافق با طالبان برسند. (ص ۵ مقاله)

۲۳- جیمز کلینگهم که در دوره اول ریاست جمهوری اشرف غنی سفیر امریکا در کابل بود مینویسد که، غنی بسیار صفات خوبی داشت که من از آن تمجید میکنم، مگر در فقدان مهارت سیاسی بود که نمیتوانست اتحاد و همبستگی را با آنها که به او مخالف بودند ایجاد کند. (ص ۶ مقاله)

۲۴- پس از این دیدار، خلیل زاد به پاکستان رفت و در آنجا با رهبران طالبان ملاقات کرد. زمانی که غنی از ملاقات با خبر شد، پس از آن تمام شد، او منفجر شد. او معروف به عصبانیت بود. یاسین ضیا، جنرال چهار ستاره: گفت او احساساتی میشد و شروع به فریاد میکرد. ژنرال ستاره افغان که در سال ۲۰۲۰م بحیث لویدرستیز منصوب شد، یادآور شد. "در جنگ، این نوع رفتار به شما کمکی نمی کند". دیپلماتهای آمریکایی گاهی این حملات را به عنوان یک خشم ساختگی میدانستند که برای کند کردن هرگونه مذاکره طراحی شده است، ممکن است اقتدار غنی را تضعیف کند. (ص ۶ مقاله)

سپس بی اعتمادی بین غنی و خلیل زاد ایجاد و روابط بین امریکا و کابل برهم خورد.

۲۵- ایالات متحده و طالبان مذاکرات رسمی را در ۲۲ جنوری ۲۰۱۹م آغاز کردند. شرکت کنندگان در دوحه مرکز شهر با یکدیگر دیدار کردند خلیل زاد رهبری هیات امریکا را به عهده داشت و شیرمحمد عباس استانکیزی، دیپلماتی که در مذاکرات با مذاکره کنندگان دولت اوپاما در سال ۲۰۱۱م شرکت داشت به عهده داشت استانکیزی در بیانیه افتتاحیه گفت: «جنگ خیلی طولانی شده است. ما میلیون ها گیلن خون مردم را ریخته ایم ما خواهان صلح در افغانستان از طریق مذاکره هستیم. عبدالله امینی، مشاور کهنه کار ارتش امریکا فرماندهان در کابل که بسیاری از متعلقین خود را در جریان درگیری طولانی از دست داده بودند، هنگام ترجمه سخنان استانکیزی به صدای بلند گریه کردند. (ص ۶ مقاله)

۲۶- در اواخر فبروری، خلیل زاد وارد دوحه شد، در دهکده شرق و آبگرم، یک هتل سفید رنگ ریتز-کارتون در خلیج فارس، با ملا عبدالغنی برادر، یکی از بنیانگذاران طالبان، در نان چاشت ملاقات کرد. برادر قبل از سقوط آنها معاون وزارت دفاع بوده او بعد از انتخاب حامد کرزی بحیث رابیس جمهور در خفا با در مذاکرات صلح بین طالبان و جمهوری اسلامی را کثود قرار اظهارات مقامات افغانی و امریکایی، در ۲۰۱۰م امریکا و پاکستان مشترکاً برادر را در کراچی زندانی نمودند سپس او را در منزلش تحت نظارت قرار دادند، بعد از آنکه خلیل زاد بحیث نماینده داندل ترمپ مقرر شد او از قمر جاوید باجووا لوی درستیز پاکستان خواست که برادر را به نشانه حسن نیت آزاد کند. (ص ۷ مقاله)

" متن مصاحبه داکترزلمی خلیل زاد با Mr. Michael Morell عضو سابق CIA که در اخیر این قسمت است بسیار قابل دقت و بیانگر واقعیت های تلخی است که مادروطنما و فرزندانش را در چهل و سه سال گذشته، خاصاً در بیت سال اخیر به خاک و خون کشانیده، من در این قسمت میخوام صرف قسمت از متن انگیزی مصاحبه خلیل زاد را که در لینک که در اخیر این قسمت میباشد و بشکل مفصل به نشر رسیده به توجه شما میرسانم تا بدانید که پلان بازگشت مجدد طالبان تروریست و به اصطلاح محکوم به دست داشتن در حادثه المناک ۱۱ سپتمبر از آغاز راندن شان از افغانستان در ۲۰۰۱م و انتقال ۹.۵ بلیون دالر افغانستان دوسال قبل از سقوط دولت داکتر اشرف غنی به امریکا و منجمد نمودن دارایی های افغانستان بعد از ۱۵ اگست ۲۰۲۱م به همین منظور از قبل طراحی شده بود که در صورت ناکامی پلان اهداف شوم شان که عبارت از ایجاد درد سر برای ایران، آسیای میانه مرکزی، روسیه و چین بود طالبان را مجدداً بقدرت رسانیده تا در عوض نیروهای نظامی و مصارف گزاف خود شان طالبان را که در بیست سال گذشته از مهارتهای نظامی بر خوردار شده اند با داعش و تعداد از کوماندوهای افغان ای که در پایگاه های نظامی خود در افغانستان برای همین منظور تربیه نموده بودند با قطع معاشات و اجازه ندادن خارج شدنشان از کشور به مرور زمان بنابر جبر زمان و مجبوریت های اقتصادی با داعش پیوسته و در کشورهای متذکره فوق نفوذ و تخریبات و درد سر ایجاد نمایند، چنانچه اخیراً خبری از طریق تلویزیون افغانستان انتر نیشنل از قول روسیه به نشر رسید که "شماری از نظامیان حکومت پیشین افغانستان به داعش پیوسته اند" همچنان دولت روسیه و قزاقستان در مظاهرات اخیر در قزاقستان اظهار داشتند که تعدادی از ماجرا جویان افغان در ان شامل بودند و نیز وزارت دفاع طالبان اظهار داشتند که تعداد ۱۰۰۰۰۰ سرباز را در سرحد ازبکستان و ترکمنستان مستقر مینمایند و نیز گفتند که یک فرقه را در بدخشان مستقر مینمایند و خبری را پخش نمودند که طالبان ۱۵۰۰۰۰ عسکر تربیه میکنند، حال سوال در اینجا است که تمام مصارف لوژیستیکی این تعداد نظامیان را از کجا تدارک و برای چه منظور است؟ ما به خاطر داریم بعد از سقوط صدام حسین تعداد نظامیان دوره صدام حسین را در حلقه بنام داعش گرد

هم آورده و منابع مالی شان را از ذخایر نفتی عراق ندارک دیدند و یک پدیدی سیاه، نابکار و جنایتکار دیگری را برای جاگزینی القاعده ایجاد کردند، من اندیشه دارم که دادن ۵،۳ میلیارد دلار از جمله ۴،۹ بلیون دار افغانستان به طالبان، قسمت آن برای همین منظور باشد. (تبصره افغان)

اینک توجه شما را به قسمت متن مصاحبه مایکل مورال با زلمی خلیلزاد در ذیل جلب مینمایم، البته برای خواندن متن مکمل صحبت زلمی خلیلزاد و یا شنیدن ویدیوی ای مصاحبه با مایکل مورال را به لینکهای در اخیر این قسمت میباشد حل مطلب نماید.

MICHAEL MORELL: So let me then jump, Mr. Ambassador, all the way to the immediate aftermath of 9/11. As you know, President Bush gave the Taliban an opportunity to avoid war, essentially, bring bin Laden to justice in some way. The Taliban chose not to do that.

But once they were driven from power, once the Taliban was driven from power, I'm wondering whether you believed there might have been missed opportunities in the early years after 9/11 regarding how we and the new Afghan government dealt with the Taliban, that could have ended the war much earlier and more on our terms than where we ended up. Were there missed opportunities there, too?

ZALMAY KHALILZAD: I believe so, although at that time I was personally not aware of it. But I have learned since that after the agreement in Bonn, when the Taliban government was overthrown to form a new government that the U.N. and the lead on. The Taliban, apparently – this had been confirmed to me by President Karzai – they did give a letter essentially accepting the Karzai-led government as the legitimate government, but demanding in exchange for that that they be allowed to live in dignity and honor in their homes and not to be pursued.

And President Karzai asked them, Karzai is reported to go and read that letter on the radio and local radio in Kandahar, and he says they did. But why that agreement was not accepted? Why that offer was not acted on? On the one hand, it's understandable that there was a great deal of anger in the U.S., given what had happened. President Bush several times that told me directly, first as his envoy and then when he nominated me to be ambassador to Kabul, that we should bring the Taliban to justice.

And whether there could have been a different balance between the requirements of justice and the requirements of reconciliation and ending the war in Afghanistan, I think there was a missed opportunity then. And Karzai reports that he was told by one of our senior leaders that that was not an opportunity or an option that we could support, that Taliban offer, and that we wanted.

Still, there was a lot of accountability that had to take place. So that was, in my judgment, a missed opportunity.

خلاصه متن فوق الذکر این است که ملا عبدالغنی برادر بعد از رانده شدن شان از افغانستان به نمایندگی طالبان طی نامه ای به حامد کرزی رایش دولت موقت افغانستان از تابعیت طالبان به دولت اطلاع داد، مشروط بر اینکه برای شان اجازه داده شود که به محلات خود برگردند و زندگی خود را دوام بدهند و قرار اظهار حامد کرزی نامه در یکی از رادیوهای محلی قندهار نیز خوانده شد اما بعداً و قتی خلیلزاد بحیث نماینده رایش جمهور جارج دلبیو بوش و سپس بحیث سفیر

امریکا به افغانستان گماشته شد جارج دبلیو بوش چندین بار برایش گفت که به طالبان اجازه داده نشود که پس به وطن خود برگردند چه من میخوامم آنها را به عدالت بسپارم.

"حال سوال در اینجا است که چرا رایس جمهور بوش به درخواست تابعیت ملا عبدالغنی برادر و طالبان به حامد کرزی موافقه نکرد؟ آیا با قبولی آن از بیش از چند تریلیون دالر امریکا و متحدینش صرفه جویی نمیشد؟ و نیز از کشتار چندین هزار عساکر خودشان و بیش از ( ۲۶۰۰۰۰ ) از قوای نظامی و امنیتی افغان و چندین صد هزار مردم مظلوم و بی دفاع افغان در عملیات جنوساید شان جلوگیری نمیشد؟ و نیز از مهاجرت چندین میلیون زن ، مرد و طفل در داخل و خارج از کشور جلوگیری نمیشد؟ آیا از فجایع بعد از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ در مادر وطنما جلوگیری نمیشد؟ آیا افغانستان امروز یک کشور نسبی مترقی و پشرفت در فضای صلح و امن نمیبود؟ نخیر یکی از اینها برای رایس جمهور بوش و رایسان جمهور بعدی اهمیت نداشت تنها توسعه طلبی و رسیدن به کشورهای فوق الذکر و دست یابی به معادن دست نا خورده افغانستان بود و بس، و قتی دیدند که ایران، روسیه و چین از خود گروپهای طالبان را علیه قوای امریکا و ناتو سازماندهی کردند به رسیدن اهداف شوم شان ناکام شدند، لهذا با آموزش درس از اینکه افغانها عرغم اختلافات قومی، زبانی، مذهبی و منطقوی بین خود در مقابل دشمنان خارجی متحد اند و نمیتوانند در اتحاد افغانها موفق به اهداف شان شوند لهذا برای تضعیف ملت افغانستان با تبنانی پاکستان ملعون یعنی دشمن تاریخی افغانستان پلان تجزیه افغانستان را رویدست گرفتند چنانچه رایس جمهور جو بایدن از تاریخ مبارزات انتخاباتی خود الی اخیرین کانفرانس خبری سالانه خود چندین بار موضوع تجزیه افغانستان را مطرح نموده ، در اینجا است که افغانها در یک آزمایش بس مهم وجدانی، اخلاقی ، ملی و اسلامی قرار میگیرند و آن این است که بخاطر خدا، مقدسات منافع ملی با آموزش از تاریخ نیاکان برای حفظ یکپارچگی مادر وطن نیاکان خود یک مشت آهنین شوند و نگزارند که مادر وطن به میراث برده نیاکان خود را به چند پارچه ضعیف تبدیل و هر پارچه را آماده بلعیدن کشورهای مجاور سازیم و سرمایه های ملی خود را که میتواند با استفاده درست آن یک افغانستان قوی، خوشبخت، صلحدوست و دیموکرات که به منشور ملل متحد پایبند و سربلند در جهان باشد آنرا بنا به تعصبات قومی، مذهبی، زبانی، منطقوی، خود خواهی ها و جاطلبی ها به اغیار بسپاریم" (تبصره افغان)

۲۷-خلیلزاد به برادر گفت که من نظر به معلومات که از لیسه کورتیس یکی از کارکنان افغانستان شناس در اداره امنیت ملی داندل ترمپ دارم ؛ میدانم که شما شخص صلحدوست میباشید؛ و؛ برادر در جواب گفت من میدانستم و نه اگر شما نمی بودید در این میز نمی نشستم؛(ص۷مقاله)

۲۸-خلیلزاد و پمپئو، نقش برادر در دوحه را نشانه جدی بودن طالبان در مذاکرات می دانستند. (همانطور که پمپئو زمانی به غنی گفت برادر «بازیکن بسیار ماهری است.») روز بعد از صرف نان جاشت، خلیلزاد برادر را در اتاق هوتلش که کلکیش بالای حوض آب بازی حاکم بود و خانها با لباسهای آب بازی ( بیوکینی ) استراحت کرده بودند ملاقات کرد، خلیلزاد در موقع اخراجش از اطاق به شوخی گفت "شما باید احساس کنید که در بهشت هستید، به استناد اعتقاد راسخ اسلامی که زندگی پس از مرگ بهشتی از آب و باکره ها میباشد؛" برادر بطرف کلکین رفت و پرده را بست.(ص۷مقاله).

۲۹-مذاکرات بین امریکایی ها و طالبان تا بهار ادامه یافت، ابتدا در شرق و بعد در کلپ دیپلوماتیک دوحه با برادر که اکثرآ در ملاقاتها اشتراک نمیکرد اما خلیلزاد منظم با او خصوصی در اطاق هوتلش ملاقات میکرد، همچنین خلیلزاد با استفاده از واتس اپ جدا با اعضای طالبان و تعداد محدودی از همکاران غنی تماس داشت و ندرتآ از طریق تلفون با غنی تماس حاصل میکرد.

مانور سریع دیپلوماتیک او کار را برای دیگر مقامات پنتاگون و قصر سفید مشکل ساخته بود و میدانستند که او چه میکند،

یکی از مقامات پنتاگون گفت که اعضای تیم مذاکره کننده به شوخی می گفتند «دلچسپترین وصیله بهره برداری در جهان تلفن همراه ( سیلولر)، است زیرا او دائماً در حال بحث بود که هیچ کس دسترسی نداشت که او چه میکند این مقام گفت: «او آن را خود ساخته نامید. برای بقیه ما بیشتر شبیه هرج و مرج بود.» در ۱۹ اپریل غنی به پمپئو نامه شکایت آمیز نوشت که او بکلی از مذاکرات خلیلزاد با طالبان بی خبر مانده او گفت در طول مدت ۱۶ روز مذاکرات خلیلزاد صرف ۶ دقیقه با من صحبت نموده.(ص۷مقاله)

۳۰- جلسات رسمی با حضور استانکیزی و دیگر مذاکره کنندگان طالبان از جمله زندانیان سابق گوانتانامو که در دوره رایس جمهور اوپاما رها گردیده بودند برگزار شد. مذاکرات صبح قرار بود ساعت ۱۰ صبح آغاز شود امریکای ها وقت حاضر شدند اما طالبان طبق معمول ناوقت آمدند، در آغازین تابستان مسوده اسناد نهایی بین طرفین تبادل شد. خلیل زاد ۱۴ جولای را برای اعلان امضای موافقتنامه تعیین کرد، او پلان داشت به تعقیب آن فوری مذاکرات بین نماینده گان طالبان و جمهوری اسلامی افغانستان را در باره آینده سیاسی افغانستان در اوسلو (Oslo) آغاز شود. (ص ۸ مقاله)

۳۱- آمریکایی ها هنوز مشخص نکرده بودند که آیا طالبان در جنگ علیه جمهوری اسلامی آتش بس را خواهد پذیرفت یا خیر. در اوایل جولای، مولی فی، معاون خلیل زاد، استانکیزی را در مورد این موضوع تحت فشار قرار داد، که او آن را موضوع «بسیار مهم» توصیف کرد. به خواست ارشد ترین رهبری آمریکا، استانکیزی تسلیم نشد و تقاضای جدیدی را مطرح کرد: او خواست هزاران زندانیان طالبان را حکومت غنی آزاد کند.

فرستادگان طالبان اصرار داشتند که برای متقاعد کردن تندروترین جناح های خود در مورد منافع صلح، به امتیاز نیاز دارند. خلیل زاد گفت که ایالات متحده تلاش خواهد کرد غنی را متقاعد کند تا با این خواست موافقت کند، و زمانی که افسران نظامی ایالات متحده در اتاق حضور داشتند گفتند که اگر طالبان بدون خواست امریکا که آتش بس است زندانیان خود را آزاد سازند ممکن مذاکرات را ترک گویند، آندریووال یکی از جنرالان نیروی دریایی پشتیبانی قاطع به خاطر دارد که؛ خلیل زاد مصمم بود به هر قیمتی میشود معامله صورت گیرد و هر چیزی طالبان میخواهند برای شان بدهد؛ وال گفت؛ برای ما روشن نبود که آیا ما به خط قرمز رسیده ایم یا خیر؛ در ۳ جولای، پیش نویس توافقنامه تکمیل شد که عبارت بود از آزادی «حداکثر» پنج هزار زندانی طالبان در مقابل آزادی هزار زندانی دولت افغانستان از طرف طالبان.. (ص ۸ مقاله)

۳۲- یک هفته بعد، ژنرال آستین اس. میلر، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، وارد دوحه شد و خلیل زاد با او در حالیکه نادر نادری و عبدالمتین بیگ دو مشاور جوان غنی نیز حضور داشتند در نهار صبح ملاقات کرد. نادری و بیگ گزارش دادند که آنها با نماینده گان طالبان صحبت نموده اند آنها با تحقیر به شکست امریکا افتخار کرده اند. "آنها چون سگان شرمسار دمب شان بین پاهای شان می دوند" یکی از مذاکره کنندگان طالبان فریاد زده گفت. که عبدالمتین بگ بعداً به خلیل زاد گفت: لطفاً بخاطر خدا «بیدار شو». طالبان طرفدار مذاکره نیستند، آنها طرفدار حل و فصل سیاسی نیستند. آنها در تلاش پیروزی اند. خلیل زاد برایش گفت نگران نباش. او گفت: "من آنها را در سه کنجی گرفتار نموده ام" یک راه حل سیاسی وجود خواهد داشت. (خلیل زاد این موضوع را تکذیب کرد. ص ۸ مقاله)

۳۳- الی ۱۴ جولای هیچ چیز نبود که اعلان شود. در ۷ اگست در کلپ دیپلماتیک، تیم های مذاکره کننده در دو موضوع از ضمایم پیش نویس موافقه اصلی، بصورت مخفی بحث کردند "تا اختلافات باقی مانده را حل نمایند، یکی از جزئیات تعهدات طالبان در مورد سرکوب نمودن القاعده و دولت اسلامی بود. و دیگری تلاش خواهند کرد که خروج ایالات متحده را مرتبط به کاهش خشونت در جنگ کند، خلیل زاد با اذعان اینکه طالبان به دوام مبارزات نظامی خود علیه جمهوری اسلامی پایان نخواهد داد، پیشنهاد کرد که همه طرف ها به طور موقت جنگ را در پنج ولایت از جمله ۳۴ ولایت کشور بشکل موقت متوقف کنند تا ایالات متحده بتواند با خیال آرام شروع به کار کند و در بقیه مناطق افغانستان، جنگ ادامه خواهد داشت و اگر طالبان به واحدهای افغان حمله کنند، نیروهای آمریکایی می توانند دخالت کند. اگر طالبان حمله به واحدهای افغان را در هر منطقه متوقف کند، ایالات متحده مقابلتاً عمل خواهد کرد و آتش بس در همان منطقه برقرار خواهد شد. فی معاون خلیل زاد توضیح کرد، اندازه کاهش خشونت توسط طالبان تعیین خواهد شد. او گفت: "شما قدرت دارید." "اگر شما حمله نکنید"، "ما نیز حمله نخواهیم کرد." «او اعتراف کرد که پیشنهاد پیچیده بود. او گفت: «ما ترجیح میدهیم در همه جاه آتش بس برقرار شود. (ص ۸ مقاله)

۳۴- پیشنهاد نسخه ای بود برای سردرگمی و درگیری بیشتر. هر دو طرف پذیرفتند که ایالات متحده دیگر وارد عمل نخواهد شد عملیات "تهاجمی" علیه طالبان. اما ایالات متحده و طالبان در مورد شرایطی که ایالات متحده میتواند از متحدین خود دفاع کند اختلاف نظر داشتند، طالبان استدلال میکردند که نیروهای میلر تنها در حالتی می توانند حمله کند که چریکها عملاً در گیر حمله به نیروهای افغان باشند، در حالی که میلر این تفسیر را بسیار گنگ میدانست و به این

نتیجه رسید که او نیز مجاز به اقدام از طرق دیگری است، به شمول حمله پیشگیرانه به تروریست های طالبان که قصد حمله را داشته باشند. (ص ۹ مقاله)

۳۵- نمایندگان طالبان همچنین تعهدات شفاهی را ارائه کردند که مقامات آمریکایی آن را برای سوابق خود ثبت کردند. در مورد مبارزه با تروریسم نماینده طالبان گفت که از ادامه عملیات ایالات متحده علیه دولت اسلامی و القاعده استقبال می کنند؛ اگر ایالات متحده داعش را بمباردمان کرد؛ ما به گردن شما گل خواهیم آویخت، در مورد القاعده گفتند بکشید. هر تعدادی را که می خواهید" در امتیازی به میلر طالبان همچنین موافقت کردند که به شهرهای بزرگ افغانستان یا هیچیک از تاسیسات دیپلماتیک حمله نخواهد کرد. (ص ۹ مقاله)

۳۶-بتاریخ در ۲۵ اگست، در دوحه، طالبان ضمیمه پیش نویس را در مورد مبارزه با تروریسم و محدودیت های مبارزه با تروریسم را پذیرفتند. با افاده اینکه طالبان از حمله به نیروهای آمریکایی و نیروهای ناتو در هنگام اخراج اجتناب خواهند کرد. به اساس روایت یکی از اشخاص حاضر مجلس میلر به طالبان گفت اگر یک آمریکایی بعد از موافقه بمیرد بعد از آن توافقنامه ملغاست، در مورد تداوم جنگ فعلی علیه جمهوری اسلامی، میلر گفت "اقدامات لازمه و متناسب" را برای دفاع از نیروهای کابل اتخاذ خواهد کرد. البته بدون شرکت در عملیات "تهاجمی". (ص ۹ مقاله)

۳۷- در اخیر ماه اگست، ترامپ طرحی را برای دعوت از طالبان به کمپ دیوید برای امضای توافق ارائه کرد. سپس، در پنجم سپتامبر، یک موتر بمب گذاری شده در کابل منفجر شد و حدود ۱۲ نفر را به شمول الیس آنجل بارتو اورتیز، سرباز سی و چهار ساله آمریکایی را کشت در آخر همان هفته، ترامپ مذاکرات صلح را با توثیتی خود به پایان رساند و طالبان را مقصر مرگ ها دانست: «نوشت اگر آنها در طول این مذاکرات صلح بسیار مهم نمی توانند به آتش بس تن بدهند و حتی ۱۲ نفر بی گناه را بکشند، پس معلوم میشود که آنها قدرت مذاکره به یک توافق معنادار را ندارند.

"پمپو به خلیزاد گفت: "تو باید به خانه برگردی. (ص ۱۰ مقاله)

۳۹- زمانی که ترامپ رسماً از توافق خارج شد، یک مقام ارشد کاخ سفید یادآور شد: من واقعاً بسیار خوشحال شدم وقتی آن توییت منتشر شده را دیدم. «بسیاری از مقامات در سراسر دولت، از جمله بولتون مشاور امنیت ملی و دیگر همکارانش، فکر می کردند که مفاد قرارداد به شدت به نفع طالبان است و برخی نیز مخالف سازش بودند. چارلز: این مفکوره که ما میتوانیم خودمان با طالبان، به استثنای دولت افغانستان مذاکره کنیم احقانه بود، کاپرن که معاون بولتون شده بود گفت) اما پیروزی آنها کوتاه مدت بود. دو ماه بعد، تیم خلیزاد مصمم گردید که آزادی دو استاد دانشگاه آمریکایی افغانستان – که یک آمریکایی و دیگری استرالیایی بودند و در سال ۲۰۱۶م توسط جناح حقانی که به گروه القاعده ارتباط داشتند رپوده شده بودند. قبل از این غنی، انس حقانی را در جمله زندانیان طالبان آزاد کرده بود، در پی این آزادی زندانیان، پمپو به خلیزاد گفت که تالش کند دوباره مذاکرات صلح را شروع کند. (ص ۱۰ مقاله)

۴۰-بتاریخ ۷ دسامبر، ملا برادر بار دیگر در دوحه با خلیزاد ملاقات کرد و ملا برادر گفت هدف اصلی ما از تعهد آمریکا برای خروج سریع از افغانستان میباشد: و تعیین تاریخ اعلان برای امضای قرارداد است. آنها تصمیم گرفتند که توافق مذاکرات تابستان سال گذشته را امضا کنند، طالبان قول داده بودند تا هفت روز قبل از رسمی شدن توافق، خشونت را کاهش دهند و تعهد خود را ثابت سازند. پمپو با غنی تماس گرفت تا به او اطلاع دهد که توافق دوباره در دست است، سپس غنی اطمینان حاصل کرد که تعداد کمی از اعتراضات او مورد توجه قرار گرفته است. (ص ۱۰ مقاله)

۴۱-بتاریخ ۲۹ فبروری ۲۰۲۰م خلیزاد و برادر در ریزورت شرایتون گردند دوحه بالای میزی که بالای سنج قرار داشت قراردادیکه برای آوردن صلح در افغانستان بود به امضا رسانیدند. در این توافقنامه آمده بود که در ۱۰ مارچ ۲۰۲۰م طالبان مذاکرات را با افغانستان آغاز خواهند کرد. مذاکراتکه منتج به صلح پایدار گردد و ایالات متحده متعهد شد که نیروهای رزمی خود را تا ماه می سال ۲۰۲۱م خارج کند. غنی به این نتیجه رسید که چاره ای جز همکاری ندارد، "بیانیه مشترک" با دولت ترامپ صادر کرد که در آن اهداف کلی قرارداد را تایید کرد و در عین حال علناً با شرایط آن مخالفت کرد. پمپو در این مراسم در دوحه به شرکت کنندگان گفت که توافق "هیچ معنایی نخواهد داشت" مگر اینکه "اقدام مشخصی را در مورد تعهدات و اظهارات خود انجام ندهیم، هیبت الله آخوندزاده، رهبر منزوی طالبان، از یک

مکان نامعلوم بیانیه ای صادر کرد. او تعهد آمریکا به عقب نشینی را پیروزی ملت مسلمان جهان و مجاهد خواند. (ص ۱۰ مقاله)

۴۲- روز بعد ترامپ با غنی تماس گرفت. او گفت: "ما برای انجام این کار به شما تکیه می کنیم: که این کار انجام شود یعنی که تقسیم قدرت با طالبان صورت گیرد. ترامپ ادامه داد: این توافق در میان مردم آمریکا محبوبیت دارد. در بین دشمنان من نیز محبوب است. غنی به جواب گفت موضوع اصلی آن است که طالبان اقدامات عملی در کم کردن خشونت نشان بدهند. همچنان او گفت که یک هیأتی میفرستد که به آنها مذاکره کند.

ترمپ جواب داد بسیار عالی، ما ضرورت به انجام این کار داریم، اگر به چیزی ضرورت باشد برایم تلفون کند.

دو روز بعد تر ترامپ به ملا برادر تلیفون کرد. به اساس گزارش یکی از مامورین که به صحبت گوش میداد، ترمپ گفت "شما جنگجویان سرسخت میباشید، سپس ترمپ دوام داد، آیا شما کدام چیزی از من ضرورت دارید"،؟ بجایش ملا برادر گفت ما میخواهیم زندانیان ما آزاد شوند و علاوه کرد که قرار معلوم غنی همکاری نمیکند، ترمپ بجوابش گفت که به پمپو میگوید که بالای غنی فشار وارد کند. (ص ۱۱ مقاله)

۴۳- در اواخر همان ماه پمپو با غنی در کابل ملاقات کرد و تقاضا کرد که از خود در مورد آزادی زندانیان انعطاف نشان بدهد، و ضمناً برایش اطمینان داد که آمریکا با خودت است، اگر ما آنچه را بدست نه آوردیم، ما ترک نخواهیم داد و دوام داد ما تنها وقتی ترک میگویم که راه حل سیاسی پیدا شده باشد. غنی بجواب گفت وضاحت استادگی شما با ما در طول مذاکرات بی سابقه است. (ص ۱۱ مقاله)

۴۴- بعداً پمپو گفتار قبلی خود را مشروط به آن ساخت؛ که یگانه چیزیکه آنرا تغیر میدهد عدم پیشرفت است؛ اخطاریه برای غنی خوش آیند نبود، بعداً غنی تبصره پمپو را به یک دیپلومات اروپایی نقل کرد و گفت این "نقط عطف" است، شواهد نشان میدهد که آمریکا واقعا جمهوری اسلامی را الی رسیدن به یک موافقه صلح ترک نخواهد گفت. (ص ۱۱ مقاله)

۴۵- بتاريخ ۲۹ جوالی، خلیلزاد و میلر، فرمانده نیروهای ایالات متحده و نیروهای امریکایی، با حصول اطمینانها از برادر با غنی در اقامتگاه وی ملاقات کردند آنها به غنی گفتند که اگر او همه افراد فهرست طالبان را آزاد کند، طالبان با احتمال قوی خشونت را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و باافاصله مذاکرات تقسیم قدرت را آغاز خواهید کرد. غنی از این پیشنهاد عقب نشینی کرد. اگر آمریکا بخواهد برای آزادی افرادی که حکم اعدام دارند و بزرگترین قاچاقچیان مواد مخدر در جهان اند، پس شما باید مسئولیت آن را بر عهده بگیرید نه من". در نهایت غنی سازشی پیدا کرد که به امریکایی ها آنچه می خواستند داد. او دایر نمودن یک لویه جرگه آزاد سازی آنها را تصویب کرد تا در مورد آزاد سازی مشکلنازترین زندانیان طالبان تصمیم بگیرند، در اوایل ماه آگست لویه جرگه را دایرو رهای همه زندانیانی شامل لست بشمول حسن و آنانیکه در لست مورد مخالفت بودند (یکی از کارکنان استخبارات افغانستان گفت هفته ها بعد که حسن رها شده بود یکی از اعضای FBI گفت که اگر مجدداً او گرفتار شود، اما او وقت به ایران فرار نموده بود. (ص ۱۱ مقاله)

۴۶- جوبایدن در سال ۱۹۷۲ در سن بیست و نه سالگی نامزد انتخابات مجلس سنا شد و در مخالفت خود با جنگ ویتنام به مبارزه پرداخت او ادعا نکرد که جنگ غیر اخلاقی است. در عوض، او معتقد بود که "صرفاً احمقانه، وهشتناک و ضیاع وقت، پول و حیات است" بر اساس یک پیش تخیل شگفت انگیز میباشد، چنانکه بعداً بایدن در خاطرات خود نوشت. بایدن جنگ افغانستان را به عین دید می نگرست، در سال ۲۰۰۹ م، بایدن به حیث معاون رئیس جمهور با کرزی، رئیس جمهور وقت افغانستان ملاقات کرد، کرزی برایش گفت آقای معاون رایس جمهور زیاد تلاش کنید که پاکستان از حمایه خود به طالبان خاتمه دهد، قرار اظهار کرزی و اشخاص دیگری که در مجلس حضور داشتند بایدن در جواب گفت "پاکستان برای اضلاع متحده امریکا ۵۰ چند بیشتر نسبت به افغانستان اهمیت دارد"، در سال ۲۰۱۵ م غنی و عبدالله با بایدن در صبحانه در واشنگتن ملاقات کردند، در آنجا او به آنها گفت که جنگ افغانستان "پیروز شدنی نیست". به گفته محب، مشاور امنیتی ملی غنی. آنها متقاعد شده بودند که اگر بایدن رئیس جمهور شود احتمالاً مایل به عقب نشینی خواهد بود. (ص ۱۳ مقاله)

۴۷- پس از انتخاب بایدن، در نوامبر ۲۰۲۰ م، جیک سالیوان را به عنوان مشاور امنیت ملی و آنتونی بلینکن را به عنوان وزیر خارجه منصوب کرد. هر دو نفر سالها تجربه کار در دولت داشتند و به خوبی با مجموعه رقت بار سیاست در قبال افغانستان آشنا بودند. گزینه ها در افغانستان مشخص نبود که آیا بایدن توافق ترامپ را به طور کامل دنبال کند، آنرا کنار بگذارد یا به جواب خشونت‌های طالبان در آن تغییراتی دبیوارد، در دوران انتقال ریاست جمهوری، سالیوان، بلینکن و سایر مشاوران یادداشتی برای بایدن ارسال کردند که بیانگر آن بود که گفتگوها با طالبان به جایی نمی رسد. خلیل‌زاد ظاهراً ناکام گردیده بود که طالبان و جمهوری اسلامی را وادار به همکاری با یکدیگر کنند، اما بایدن از او (خلیل‌زاد) خواست حداقل تا بهار به عنوان نماینده خاص باقی بماند. او همه بازیگران را می شناخت. و اگر دولت بایدن بخواهد به ضرب‌بالاجل توافق دوحه در اول ماه می به اخراج تمام نیروها موافقه کند، باید در کار عجله کند. (ص ۱۳ مقاله).

۴۸- با آغاز کار بایدن محب بدنبال ملاقاتی در کاخ سفید بود، اما به او گفته شد که تنها امکان تماس تلفونی وجود دارد. محب که دکترای انجینیری برق را در بریتانیا گرفته بود و از سال ۲۰۱۵ م الی ۲۰۱۸ م به حیث سفیر افغانستان در واشنگتن کار کرده بود و برای مدت سه سال مشاور امنیت ملی غنی بود. او با روش آرامش به شدت به غنی وفادار بود، ایده های او الهام بخش او بود، اما او به طور فزاینده ای به عنوان ابزار نه محرک غنی در نظر گرفته می شد. (ص ۱۳ مقاله)

۴۹- بتاريخ ۲۲ جنوری محب تلفونی با سالیوان صحبت کرد. اداره جدید به دنبال حفظ وضعیت اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان بود "سالیوان گفت بشمول "دموکراسی، حقوق زنان و حقوق اقلیت ها". اگر طالبان در عمل وارد مذاکرات "معنی دار و صادقانه" در دوحه نشوند "آنها عواقب انتخاب های خود را متحمل خواهند شد." او افزود که منظورش نبود که «توجه به تشدید اختلافات شود بلکه باعث نگاهی سختگیرانه به وضعیت خواهد شد» (ص ۱۳ مقاله)

۵۰- سالیوان یک بررسی سیاست بین سازمانی را در شورای امنیت ملی افتتاح کرد: جلسات توجیهی و مناظره ای بود که آنها را از تصمیم بایدن در مورد افغانستان مطلع سازد. که تعداد نیروهای آمریکایی به ۲۵۰۰ کاهش یافته. میلر، قومندان حمایه قاطع اظهار داشت که بایدن همین تعداد عساکر را در آنجا فراتر از مدت ضرب‌بالاجل نگهدارد. و نمیدانستند که بعد از خروج عساکر آمریکایی چه اتفاق بالای عساکر افغان خواهد افتاد. در جریان بحث که صورت گرفت گفته شد که اگر سریع به عمل آید که معامله بین طالبان و جمهوری اسلامی صورت گیرد و اگر چنین شود، برای چه مدت؟ (ص ۱۴ مقاله)

۵۱- میلی، رئیس قوای مشترک و آستین، وزیر دفاع در زمان ارزیابی سیاسی به بایدن گفتند: "آقا، ما برای همیشه ماندنی نیستیم". اما آنها پیشنهاد کردند که حضور نیروهای آمریکایی را تا یک سال تمدید کنند، به این امید که طالبان را تحت فشار قرار دهند. تا مذاکرات تقسیم قدرت را جدی تر بگیرند. مشخص نبود که چرا یک تمدید کوتاه مدت آمریکا ممکن شود مذاکراتی را که بارها ناکام گردیده آسانتر شود. برداشت مقامات کاخ سفید این بود که پنتاگون بصورت غیر مستقیم میخواهد که عساکر برای همیشه بماند. اگر طالبان بالای ناتو حمله کند، بایدن مجبور به اخراج خواهد شد. پیشنهاد پنتاگون کنار زده شد، صحبتها متوجه آن شد که اگر عساکر آمریکایی خارج شوند چه واقع خواهد شد. (ص ۱۴ مقاله)

۵۲- در عین زمان، در شرق، در دوحه، از مذاکرات بین فرستادگان طالبان و تیم کابل شواهد کمی از پیشرفت دیده میشد که پیشرفت دیپلماتیک امکان پذیر خواهد بود. هیأت غنی در یک تفرجگاه با روابط کمی با قطر اقامت داشتند. فرستادگان طالبان، کسانی بودند که در دوحه خانواده ها، خانها و مشاغل داشتند، معمولاً "هر دو یا سه روز" به تفرجگاه مراجعه میکردند آنهم در شب، سرابی، نماینده کابل، یادآوری کرد. "نظم تقسیم اوقات خوب نبود." در اوایل جنوری، هیأت طالبان حتی طبق تقسیم اوقات برای گفتگو حاضر نشدند. (ص ۱۴ مقاله).

۵۳- حالت چنین شده بود که بسیاری از نمایندگان کابل اعتبار که به خلیل‌زاد داشتند از دست داده بودند. سرابی او را متهم میکرد که "طرفداری طالبان را میکرد" او گفت "بسیار واضح بود" که خلیل‌زاد "میخواست طالبان در رأس دولت مشترک انتقالی باشند" او میخواست غنی از قدرت دست بکشد. خلیل‌زاد معتقد بود که غنی باید بخاطر ایجاد دولت انتقالی کنار رود. اما گفت که او هرگز به این عقیده نبود که رهبر طالبان را در رأس قدرت قرار دهد. او تا حدودی دلیل این بن بست



را ناسازگاری غنی می دانست. اما بعداً خلیل‌زاد گفت بزرگترین اشتباهش که سبب ناکامی گردید این بود که باید برای سازش فشاری بیشتری بالای غنی وارد میکردم. (ص ۱۴ مقاله)

۵۴- در اوایل سال ۲۰۲۱م، خلیل‌زاد و بلینکن به یک راه حل رسیدند. آنها یک پروسه صلح "شتاب زده" را آغاز و مذاکرات دوحه را به منظور توافق تقسیم قدرت بین جمهوری اسلامی و طالبان را کنار بگذارند. خلیل‌زاد به نوشتن پیش نویس هشت صفحه ای به اصطلاح توافقنامه صلح افغانستان کمک کرد که آرزوی دلپزیر بود، یعنی ساختار قانون اساسی جدیدی که دارای یک دولت انتقالی با پارلمان گسترده که بتواند بسیاری از طالبان را در خود جابه داده باشد، تغییر سیستم قضایی: شورای عالی اسلامی قانونگزاری و یک آتش بس ملی باشد. او امیدوار بود که طالبان و جمهوری اسلامی با شرکت در نشست صلح در ترکیه موافقت خواهند کرد. (ص ۱۴ مقاله)

۵۵- بتاريخ ۲۲ مارچ، بلینکن با وزرای امور خارجه ناتو ملاقات کرد، آنها اصرار داشتند که ایالات متحده باید تلاش بیشتری برای ایجاد یک حل و فصل سیاسی در افغانستان باشد کند. بلینکن با بایدن تماس گرفت و گفت که میخواهد بررسی کند که آیا امکان تاخیر در خروج نیروها الی بعد از کانفرانس ترکیه وجود دارد یا خیر، در حالی که طالبان هنوز با شرکت در آن موافقت نکرده بودند. این به متحدان ناتو نشان میداد که بلینکن استدلال کرد که ایالات متحده گوش می دهد، اما این به معنای شکستن توافق دوحه نیز خواهد بود، خلیل‌زاد با طالبان ملاقات کرد و گفت که اگر آنها می خواهند افغانستان از کمک های بین المللی برخوردار شود و به رسمیت شناخته شود باید آنها تاخیر در خروج آمریکا را بپذیرند تا توافقنامه تقسیم قدرت در ترکیه مورد مذاکره قرار گیرد. زمانی که مذاکره کنندگان طالبان مشاهده کردند که آمریکایی ها در مورد شکستن توافق دوحه صحبت می کنند، گرچه آنها مستقیماً تهدید حملات را بالای نظامیان آمریکا و ناتو نکردند، اما آنها واضح ساختند که "اتفاقات بدی رخ خواهد داد" از قول یکی از مقامات حاضر وزارت امور خارجه. (ص ۱۴ مقاله).

۵۶- بتاريخ ۵ اپریل، جان فاینر، معاون مشاور امنیت ملی بایدن، با محب تماس گرفت و گفت غیر محتمل به نظر میرسد که ایالات متحده قبل از اول ماه می از افغانستان خارج شود. اما هر گونه تمديد، به گفته او، "برای مدت محدودی" خواهد بود. قصر سفید همچنان امیدوار بود که گفت وگوها با طالبان روند انتقال را تسهیل خواهد کرد "بسیار مهم است که دولت افغانستان با یک صدا صحبت کند" و از روند صلح "بدون ابهام" حمایت کند، و موضعگیری "سازنده و آگاهانه" را در قبال گفتگوها با طالبان اختیار نمایند. فاینر گفت. محب خبر را با غنی شریک نمود: دوران آمریکا در افغانستان به زودی به پایان خواهد رسید. (ص ۱۵ مقاله)

۵۷- غنی و محب هر دو تصور میکردند که بایدن پروگرام اخراج را بعد از جنگهای فصل تابستان تنظیم خواهد کرد، به احتمال اینکه برفهای زمستان تحرکات طالبان را محدود کند. ۹ روز بعد، زمانی که بایدن تصمیم خود را اعلام کرد، او با ابراز نظر در مورد معامله اداره ترامپ با طالبان. گفت "شاید" من خودم نمیخواستم چنان مذاکرات را انجام نمایم" اما خروج کامل را الی ۱۱ سپتمبر صادر کرد. غنی با انتشار پیامها در توئیتر به تصمیم بایدن "احترام" گذاشت، او نوشت "نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان کاملاً قادر به دفاع از مردم و کشور خود هستند." در مدت چند روز، طالبان به وضوح اعلام کردند که آنها در نشست صلح خلیل‌زاد در ترکیه شرکت نخواهند کرد. مسایع دیپلماتیک چندین ساله ایالات متحده برای میانجیگری صلح بین طالبان و جمهوری اسلامی به ناکامی گراید. (ص ۱۵ مقاله)

۵۸- طالبان از سالها بصورت مجازی در مناطق مختلف روستایی حکومت میکردند، اما هرگز آنها را فتح نکرده بودند. اما هیچگاه موافق نشدند که قسمت قابل ملاحظه شهرها را تسخیر کنند. ناتو و بعداً نیروی هوایی افغانستان انحصار نیروی هوایی را در اختیار داشتند. طالبان هیچ هواپیمای جنگی و موشکهای ضد هوایی موثر را برای ارتفاعات بلند نداشتند، اما میتوانستند هلیکوپترها و هواپیماهای کم ارتفاع را توسط سلاحای خفیف سقوط دهند.. زمانکه طالبان برای یک حمله بزرگ جمع می شدند، یا در بعضی مواقع برای مدت محدودی شهری را تصرف می کردند، در برابر حملات هوایی ویرانگر آسیب پذیر بودند. پس از سال ۲۰۱۸م، زمانی که میلر فرماندهی "حمایت قاطع" را بر عهده گرفت، نیروهای غنی را تشویق کرده که نیروهای نخبه را دو برابر نموده و با نیروهای ویژه هوایی پشتیبانی شوند. الی سال ۲۰۲۱م پرسونل نیروی هوایی افغانستان هشت هزار و بیش از صد و هشتاد هواپیما بود. (ص ۱۵ مقاله).

۵۹- پس از اعلام بایدن، میلر شروع به خروج سربازان آمریکایی از کشور کرد. همچنان قراردادیان بین المللی را که از هلیکوپترها و هواپیماهای جنگی افغانستان نگهداری میکردند نیز خارج کرد. میلر گفت "شرکتهای یکه حمایه امریکا و ناتو را نداشته باشند نیز از مردم محافظ نخواهند توانست" (ص ۱۵ مقاله)

۶۰- در ماه می گذشته، یاسین ضیاء، لوی درستیز و سرپرست وزارت دفاع متوجه شد که فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا که مسول فرماندهی جنگ افغانستان بود، تلاش میکرد که "با استخدام متخصصین در دوحه حفظ و مراقبت طیارات را از طریق ویدیو، بر روی iPad انجام نماید." آنها گفتند میخانیک طرف ما مقابل زوم مینشیند و شخص قطری برایش میگوید که این را بکن و انرا بکن، ضیاء به یاد می آورد که مرکز قوماندان نیز پلان داشت شاپ ترمیم طیارات را هزاران مایل دور در امارت عربی افتتاح کند. اما هلیکوپتر های افغان نمیتوانست چنان فاصله دور را پرواز کند. و نیز باید از فضای پاکستان عبور میکردند که آن نیز ایجاب مذاکره با نیروی امنیتی پاکستان را میکرد، که آن خود مشکلی بود. یک مقام ارشد وزارت خارجه شرکت کنندگان گفت که تا جون" ما شاهد خواهیم بود که هیچ چیزی در آنجا باقی نخواهد ماند" که طیارات افغانی پرواز کنند. به اساس اظهار یک مقام بلند پایه وزارت دفاع، قطع نظر از ترمیم ما ترک میکنیم "همه نیروی نظامی افغان چنان دیزاین گردیده بود که بدور سیستم و متخصصین امریکا میچرخید. وقتی آنها از بین رفت چیزی در آنجا وجود نخواهد داشت" (ص ۱۵ مقاله)

۶۱- در سالهای گذشته قوای نظامی افغانستان تعداد زیادی پایگاه های نظامی را به ارث برده بود. به اساس اظهارات صالح معاون اول ریاست جمهوری پایگاه ها "نیروی دفاعی را دارد اما تعبیه آنها مشکل است" در روزهای که طالبان مناطق زیاد را اشغال کرده بودند درخواست کمک از پایگاه های محاصره شده و نزدیک به سرکهای عمومی میگرفت. در بهار صالح در ایمیل نوشت که "روزهای بود که من بیدار میشدم هزاران پیامها در واتساپ و یا در تلفونم درخواست کمک از این پایگاه های محاصره شده میگرفتم،" تعدادی از عساکر گیر مانده داستانهای خود را با منابع خبری شریک میکردند. "تعداد ترک کنندگان نسبت گرسنگی، تشنگی، درمانی، نرسیدن مهمات لوژستیک و حمایه هوایی در روزی به هفصد نفر افزایش یافت" (ص ۱۶ مقاله)

۶۲- در اوایل جولای، غنی و مشاورانش از سفر خود به واشنگتن بازگشتند، جایی که در آنجا نیرومندی و خوشبینی خود را نشان دادند. اما محب به یاد می آورد که "ما کاملاً ناامید بودیم." زمانی که خروج نیروهای آمریکایی آغاز شد، طالبان از جمله تخمین چهار صد ولسوالی در افغانستان هشتاد آنرا در کنترل خود گرفته بودند. بر اساس تخمین مجله جنگ طولانی. الی ۱۰ جولای، طالبان بیش از دوصد را تحت کنترل داشتند. آنها به سرعت گذرگاه های مرزی منتهی به ایران و پاکستان را تصرف کردند، و سپس گمرکهای پر درآمد را اشغال، شهرهای بزرگ را محاصره و نواحی نزدیک شهر کابل را فتح کردند. محب گفت "ما جریان را کنترل نمیتوانستیم، و ما هیچ مطمئن نبودیم که امریکا کمک میرساند یا خیر" او گفت "سقوط به سرعت انجامید." (ص ۱۶ مقاله)

۶۳- بتاريخ ۲۳ جوالی، بایدن به غنی زنگ زد ، گفت من ضرورت ندارم بگویم که برداشت جهان به ارتباط افغانستان چیست ، من باور دارم که جنگ با طالبان خوب پیش نمیرود" او گفت "ژنرال های آمریکایی تلاش دارند تا غنی را متقاعد به طرح یک پلان نظامی جدید که نیروی هوایی را برای دفاع از مراکز پر جمعیت متمرکز کند. مانند کابل. بایدن پیشنهاد کرد که غنی در هفته بعد در یک کانفرانس مطبوعاتی بشمول سیاستمداران مشهور افغان را برگزار کند از جمله عبدالله، دوستم، کرزی و محمد محقق، یکی از رهبران اقلیت هزاره افغانستان." بایدن اسرار داشت که همه شما با پشتیبانی بسم الله خان، وزیر دفاع، "از این ستراتیژی جدید حمایت کنید" (ص ۱۶ مقاله)

۶۴- بایدن ادامه داد: "من یک نظامی نیستم، بنابراین من نمیتوانم به شما بگویم که پلان چقدر دقیق خواهد بود."، اما اگر غنی به این پلان موافقت کرد "شما نه تنها کمک بیشتری از ارتش ایالات متحده دریافت خواهید کرد، بلکه احساس تشویق خواهد شد." "ما هم به کمک هوایی از نزدیک ادامه خواهیم داد. بایدن علاوه نمود، اگر ما بدانیم که این طرح چیست و چه می کنیم" (ص ۱۶ مقاله)

۶۵- غنی گفت که کنفرانس مطبوعاتی را برگزار خواهد کرد، اما نیروهایش برای انجام حملات هوایی به هواپیماهای آمریکایی بیشتر نیازمند است که حملات هوایی را بالای طالبان انجام نماید: آنچه مهم است حمایت هوایی نزدیک میباید. (ص ۱۶ مقاله)

۶۶- بایدن در پاسخ گفت: "ببینید، پشتیبانی نزدیک هوایی تنها در صورتی کار می کند که یک استراتژی نظامی روی زمین برای حمایت وجود داشته باشد. او گفت که یکی از جنرالهای بلند رتبه خود را هدایت میدهد که فوراً با غنی تماس بگیرد که پلان نظامی را هم آهنگ نماید". (ص ۱۶ مقاله)

۶۷- دو روز بعد، پنتاگون اعلام کرد که حملات هوایی شدید علیه طالبان را آغاز کرده است که در "هفته های آینده ادامه خواهد داشت. غنی با رهبران سیاسی ظاهر شد و به ولایات و پایگاههای نظامی سفر کرد تا به نیروهای مسلح سرو صورت دهد. بتاريخ ۲ آگست، وقتیکه او استراتژی جدید نظامی دولت خود را به پارلمان ارائه می کرد، به شدت به دولت بایدن انتقاد کرد: دلیل وضعیت فعلی ما این است که این تصمیم به طور ناگهانی گرفته شده است. به هر حال، او این را پیش بینی کرد که دولت او در مدت شش ماه امور را تحت کنترل خواهد آورد (ص ۱۶ مقاله)

۶۸- غنی تصمیم گرفت برای شرکت در مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جدید ایران بتاريخ ۵ آگست به تهران سفر کند. از چند سالی بود که غنی در حال مذاکره برای یک توافقنامه امنیتی و اقتصادی با ایران بود. قبل از رفتن، با بلینکن صحبت کرد آنها ده یا پانزده دقیقه اول را صرف بررسی پیامدهای بالقوه توافق بین کابل و تهران را بالای سیاست خارجی آمریکا کردند. بلینکن به غنی هشدار داد: "اگر قوانین ایالات متحده نقض شود، حمایت ما را به خطر می اندازد." از بحث استنباط شد که جمهوری اسلامی موجودیت طولانی نخواهد. (ص ۱۷ مقاله)

۶۹- زمانی که آنها به جنگ روی آوردند، غنی در مورد اشتباهات آمریکا، مخصوصاً مذاکرات طولانی با طالبان انتقاد کرد. غنی از قول مذاکره کنندگان خود در دوحه به بلینکن گفت که طالبان به جز از پیروزی نظامی چیزی دیگری نمیخواهند. با کمال احترام فراوان، به همکاران بین المللی ما نیات و شخصیت طالبان را غلط تشخیص نموده اند "موضع کنونی طالبان "تسلیم، تسلیم، تسلیم" است. . . . آیا همکاران و کارمندان شما دیدی دیگری دارند؟ (ص ۱۷ مقاله)

۷۰- بلینکن گفت که ممکن است هنوز راهی برای غنی وجود داشته باشد که "بدون به خطر انداختن خود" به یک توافق دست یابد. خلیل زاد به روی یک پیشنهاد جدید کار میکند: آتش بس یک ماهه در مقابل آزادی سه هزار زندانی از هر دو طرف. غنی این موضوع را جدی رد کرد. اگر او هزاران زندانی دیگر طالبان را آزاد کند، کشور از هم خواهد پاشید. . . . نیروهای امنیتی ما دیگر هرگز نخواهند جنگید. (ص ۱۷ مقاله)

۷۱- بتاريخ ۶ آگست، طالبان زرنج مرکز ولایت نیمروز را که در جنوب افغانستان فرار دارد در تصرف خود در آوردند. روز بعد سفارت آمریکا از همه اتباع آمریکایی خواست تا افغانستان را ترک کنند. دفتر غنی به انتشار گزارش های پیشرفت در شبکه های اجتماعی ادامه میداد، در مورد حرکت مدرنیزاسیون افغانستان. بیانیه های مطبوعاتی دور از واقعیتها بود. اکبر رئیس کمیسیون حقوق بشر گفت که تظاهر به عادی بودن روزمره شبیه به تکرار نشر عین موضوع از طریق میکائیزم اتوماتیک باشد. " بتاريخ ۱۰ آگست، صفحه رسمی غنی در فیس بوک خود، پروژه های زیربنایی جدید، را از جمله شهر قندوز در شمال که بیرق طالبان در آن در احتزار بود اعلان کرد. (ص ۱۷ مقاله)

۷۲- زمانیکه طالبان افغانستان را در اواسط دهه نهم قرن بیست فتح کردند، گاهی اوقات شهرهای افغانستان را با کمی مقاومت تصرف می کردند، پذیرش تسلیم دشمنان بدون انجام اقدامات تلافی جویانه فوری بود. تغییرات سریع و بدون خونریزی قدرت یک الگوی تکرار شدنی در جنگ داخلی افغانستان بود که حس خویشاوندی رزمندگان را حتی در میان خشونت بی رحمانه منعکس می کرد، تسلیمی، آزادی مشروط، و آتش بس موقت محلی، در کنار قتل های انتقام جویانه و اعدامهای شتابزده اعمال می شد. در تابستان، بسم الله خان گزارش داد که طالبان به سربازان جمهوری اسلامی پول و یک نامه عبوری ارائه می کنند که بعد از تسلیم شدن و رفتن به خانه اذیت نشوند. در ماه آگست "پول با سرعت دست بدست میشد". یک افسر ارشد نظامی بریتانیا گفت، در حالی که نیروهای امنیتی افغانستان "توسط طالبان خریده میشد". برای هفته ها، ایالات متحده و متحدان اروپایی آن از ترس از تخلیه پرسنل خود یا افغانهایی که برای آنها کار می کردند اجتناب

کردند، برای اینکه اخراج شان شتابزده معلوم نشود. اما در اوایل ماه آگست، ارتش بریتانیا یک استخبارات افغانستان را که توسط شبکه ارتباطی طالبان شناسایی شده بود اخراج کرد. در این زمان مراکز ولایات یکی بعد دیگری سقوط میکرد. در ۱۲ اگست غزنی سقوط کرد شب آن روز، بلینکن و لوید آستین، وزیر دفاع بایدن، با غنی تماس گرفتند و به او اطلاع دادند که سه هزار عساکر آمریکایی برای تصرف میدان هوایی کابل وارد عمل خواهند شد. عساکر برای دفاع از کابل در برابر حمله طالبان فرستاده نشدند. مطلب شان از محافظ از اخراج پرسونل شان بود. روز بعد طالبان شهرهای مهم قندهار و هرات را تصرف کردند. دوستم تحت محاصره کشور را به مقصد ازبکستان ترک کرد، همچنان عطا محمد نور، یکی دیگری از رهبران قدرتمند و مستقل در شمال. (ص ۱۷ مقاله)

۷۳- خلیزاد و تیمش هنوز به اطمینان موافقتنامه معتقد بودند که ممکن طالبان حمله را به کابل متوقف خواهند کرد، از غنی خواستند تا هیئتی به رهبری عبد الله و کرزی به دوحه پرواز کنند تا با برادر و همکارانش در باره یک انتقال منظم کار نمایند. عقیده بر این بود که غنی هر آنچه را که این هیأت مذاکره فیصله کند قبول ولو اگر کناره گیری خودش از مقام ریاست جمهوری نیز باشد. غنی گفت حاضر است قدرت را کنار بگذارد، اما تنها در صورتیکه انتخابات صورت گیرد و جانشین برای دوره درازمدتی انتخاب شود. آمریکایی ها این را رد و غیر واقعی دانستند. روز شنبه ۱۴ آگست، نظر به گزارشهای اینکه قطعات طالبان از قبل در کابل حضور داشتند، غنی از پیشنهاد خود منصرف و فقط امید داشت که انتقال منظم قدرت از طریق لویه جرگه صورت گیرد (ص ۱۸ مقاله)

۷۴- او به بلینکن گفت که آماده است به آنچه نمایندگان او و دولت بایدن با طالبان توافق کنند میبیزد. بلینکن از او خواست که «هیئت را در اسرع وقت به دوحه برساند تا به طالبان نشان دهد که این یک روند جدی است. ما به یک عملیه آتش بس نیاز داریم. غنی گفت "لطفاً تا جایی که می توانید روی یک پروسه آبرومندانه عمل کنید. او تأکید کرد که هرگونه انتقال قدرت باید توسط جرگه افغانی تأید شود، و لطفاً به طالبان بگوید که این معنی تسلیمی را ندارد. مصمم بود به طالبان اطلاع دهید که این تسلیم نیست. " بلینکن گفت: "حفظ وقار دقیقاً همان چیزی است که ما هم می خواهیم." غنی به او گفت "که اگر طالبان این آخرین تالش را برای ایجاد یک انتقال منظم رد کنند یا با حسن نیت مذاکره نکنند، "من تا آخرین نفس می جنگم" او هیئتی را که بلینکن درخواست کرده بود منصوب کرد - سیزده نفر، از جمله پسر دوستم، کرزی، عبدالله و محب و اعلان کردند که سرنوشت جمهوری اسلامی را در گفتگو با طالبان تعیین میکنند. غنی به محب گفت که با این تصمیم او احساس میکند که جمهوری اسلامی وجود خود را از دست داده است (ص ۱۸ مقاله)

۷۵- غنی در کتاب خود که در سال ۲۰۰۸م تحت عنوان "کشور ناکام در جهان" به نشر رسیده نوشته، "حلقات شریر جنایتکار در مناطق خارج اداره که مردم آن از حق خود ارادیت محروم و از مواد مخدره تغذی میگردند باعث یک بحران عمیق سیستمیک در قلب جهان گردیده" افغانستان تا زمان تهاجم شوروی در سال ۱۹۷۹م بیش از نیم قرن بیست، فقیر اما با ثبات و در قضای صلح بود. جنگ متداوم چهل و دو ساله، که مسبب اصلی آن قدرت های خارجی چون پاکستان، عربستان سعودی، و ایالت متحده بودند، که تمویل و مسلح کردن تندروهای افغان را که در دهه هشتاد در مبارزه با اشغال شوروی به عهده داشتند، سپس پاکستان برای بقدرت رسانیدن طالبان آنها را تمویل و مسلح نمود، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و تهاجم به رهبری امریکا به جنگ سالاران فاسد در سراسر افغانستان به نام مبارزه با تروریسم قدرت داد، و بعد از سقوط طالبان، نتوانست مانع پاکستان از تقویت و احیای تحریک طالبان شود. زمانی که غنی در سال ۲۰۱۴م رئیس جمهور شد، در یک دهه چریکها در پناهگاه به کمک های پنهانی ارتش و سرویس اطلاعاتی پاکستان احیا و نیروی دفاعی جمهوری اسلامی را متزلزل از دفاع خود کرده بودند. در امریکا و اروپا افکار عامه در اثر شدت جنگ منجر به کاهش نیروها و کمکها گردید. علیرغم تمام تالش های غنی برای تقویت دموکراسی جوان در افغانستان، اما بعید به نظر میرسید که او بر این تاریخ غلبه کند، مخصوصاً بعد از سال ۲۰۱۷م، زمانی که جمهوری اسلامی مجبور شد به تصامیم غیرمسولانه دونالد ترامپ کنار آید. (ص ۱۸ مقاله)

۷۶- تصمیم نهایی غنی به عنوان رئیس جمهور، برای ترک کشورش دشوار است. در ماه آگست گذشته، سفیر سابق افغانستان در تاجیکستان بدون ارایه سندی اثبات، غنی را متهم به دزدی بیش از یکصد و پنجاه میلیون دالر در حین ترک افغانستان کرد، غنی این ادعاها را "کاملاً رد و به طور مطلق نادرست" توصیف کرده است. در ایالات متحده، بازرس

ویژه برای بازسازی افغانستان تحقیقاتی را آغاز کرده است، اما این اتهامات همچنان مبهم ادامه دارد و ادعا بشکل معما باقیماند. (ص ۱۸ مقاله)

۷۷- در اواخر جولای بود که غنی و محب بار اول در مورد احتمال مجبور شدن آنها به ترک وطن صحبت کردند. یکی از اولویت های غنی این بود که مجموعه کتاب هایش را از خطر نجات دهد. ترجیح او این بود که از پایتخت به شرق افغانستان عقب نشینی کند که در آنجا متحدان سیاسی و نظامی داشت. محب فکر می کرد که اگر لازم باشد به خارج از کشور برود تاجیکستان و ازبکستان بحیث انتخاب اولی بسیار مواجه به نظر می رسد زیرا هر دو توسط یکی از چهار هلیکوپتر M-17 راییس جمهور به مرجع اولیه میرسند. در ماه آگست، محب از قهار کوچی، قومندان گارد رئیس جمهور افغانستان، خواست تا برای حالت غیر مترقبه ترتیبات لازمه را مطابق پلان وضع شده اتخاذ نماید، اما وقتی طالبان به حومه کابل رسیدند و امریکایی ها اخراج امریکایی ها و متحدین افغان را سرعت بخشید، محب و غنی تصور اخراج واشنگتن را نمی کردند. (ص ۱۹ مقاله)

۷۸- روز چهاردهم، محب متوجه شد که یکی از همکارانش در ارگ ریاست جمهوری در فهرست افغان های مورد خطر در سفارت امریکا برای اخراج در نظر گرفته شده، بعد از ظهر محب تلفونی با یکی از اعضای وزارت امور خارجه صحبت کرد. در طول صحبت محب در مورد گفتگوهای صلح، مکث کرد و پرسید: "آیا برای من و غنی برنامه ای اخراج وجود دارد؟" مسئول تقاضای درخواست کتبی از محب کرد. محب می گوید: «من خواهش میکنم در صورتی که حل و فصل سیاسی مؤثر واقع نشود، من و (پی جی PG) را در برنامه تخلیه خود در نظر بگیرید، PG اشاره به رئیس جمهور غنی بود، پیام را تکست کرد. (ص ۱۹ مقاله)

"اخذ شده" (ص ۱۹ مقاله)

۷۹- نامعلوم بودن مبادله صحبت، محب را نا آرام کرد. من فکر کردم، شرکای من ما را نجات نمی دهند. اوبا یک مقام بلند پایه در امارات متحده عربی تماس گرفت، او برایش اطمینان داد که امارات برای غنی و مقامات ارشد او کمک فراهم خواهد کرد، او گفت که پادشاهی یک جت رسمی را روز دوشنبه شانزدهم به کابل خواهد فرستاد و این هواپیما در میدان هوای آماده خواهد بود، با پیلوت به زودترین فرصت آماده پرواز خواهد شد. (ص ۱۹ مقاله)

۸۰- محب که در یک گفتگوی گروهی سیگنال که شامل برخی از مقامات ارشد اطلاعاتی و امنیتی کشور بودند، در شب چهاردهم خبر بدی در کانال پخش شد. ننگرهار و چندین ولایت دیگر به دست طالبان افتاده، ساعت ۹ صبح روز یکشنبه پانزدهم، محب از اقامتگاه رسمی خود به دفتر غنی برای اشتراک در جلسه روزانه مامورین رفت، منابع خبر دادند که طالبان به کابل رسیده اند، افراد مسلح ممکن است طالبان محلی باشند می خواهند خود را نشان بدهند، ممکن جنایتکاران باشند بنام طالبان خود را نشان دهند، یا واحد ها پیش قدم قوای متجاوز باشند، همچنان راپورها بود که پولیس کابل، عساکر و محافظین یونیفارمهای خود را کشیده اند و به منازل خود میروند. (ص ۱۹ مقاله)

۸۱- در ایستگاه ای هلیکوپتر، کارکنان و محافظین با هم درگیر شدند و فریاد زدند که چه کسی پرواز خواهد کرد. پیلوتان گفتند که هر هلیکوپتر میتواند فقط شش مسافر انتقال نماید، با غنی، روال و محب، ۹ مقام دیگر و اعضای امنیتی غنی سوار شدند به اساس روایت محافظین غنی در جمله دهها کارمند دیگر ارگ - رحیمی هنوز با خلیل زاد در مورد آتشبس صحبت میکرد هیچ نمیدانست که غنی یا محب کجا رفته بودند. (ص ۱۹ مقاله)

۸۲- خلیل زاد به یاد می آورد که صبح آن روز در دوحه، با برادر در ریتز کارلتون ملاقات کرد. برادر در جریان گفتگو توافق کرد که آنها وارد کابل نخواهند شد. و برادر اعتراف کرد که صدها طالب از قبل وارد کابل شده اند، بر اساس اظهارات غنی، روز قبل خلیل زاد امیدوار بود که یک توقف دو هفته ای آتش بس و انتقال منظم قدرت در کابل توسط لویه جرگه کوچک تأیید خواهد شد. خلیل زاد در واتس آپ با عبدالسلام رحیمی همکار غنی تماس حاصل و از موضوع او را مطلع کرد. رحیمی به غنی گفت که طالبان متعهد شده اند که وارد کابل نمی شوند چون مبنای اطمینان خلیل زاد و طالبان بودند لهذا هر دو منبع برای غنی غیر قابل قبول بود. (ص ۲۰ مقاله)

۸۳-قصرارگ و سفارت ایالت متحده به اصطلاح در منطقه سبز کابل بودند که توسط دیوارهای قوی غیر قابل انفجار و محافظان مسلح محافظت و خیابان ها را از طریق دوربینهای بسیار پیشرفته نظارتی مجهز نظارت می کردند. حدود ساعت نه صبح همان روز راس ویلسون، شازدافر ایالات متحده در کابل، از گزارش های مختلف به این نتیجه رسید که تعداد زیادی از پلیس و محافظین مواضع خود را ترک و منطقه سبز محافظاوی بکلی سقوط نموده، او با واشنگتن مشوره کرد و فوری امر انتقال عساکر باقیمانده و کارکنان سفارت امریکا را به میدان هوایی کابل انتقال داد. برای اینکه طالبان و دولت اسلامی از موضوع اطلاع حاصل نکنند، ویلسون غنی را از اینکه منطقه سبز مسون نیست و از تصمیم خود که سفارت خود را تخلیه کرده اند اطلاع نداد، وزارت دفاع لست جنرالان بلند رتبه افغان را که در صورت لزوم خارج از کشورشوند ترتیب داده بود، اما پنتاگون اخراج احتمالی غنی را مربوط وزارت خارجه میدانست، به اساس گفتار یک مامور وزارت خارجه موضوع بشکل رسمی هیچگاه مطرح نشد. (ص ۲۰ مقاله)

۱۵-۸۴ آگست یک صبح گرم بود. در حوالی یازده، محب با رئیس جمهور و یک دبیلومات از امارات پیوست و در فضای باز روی چمنزار کنار دفتر رئیس جمهور که محل ملاقاتها خارج دفتر میبود در مورد طرح احتمالی اخراج خود بحث می کردند تعداد کثیری از هلیکوپترهای آمریکایی شینوک و بلک هاک را در افق میدیدند که صدای موتورهای آنها از فاصله دور بسیار صدای خفه کن می کوبند، سپس صدای تیراندازی را از جایی خارج از محوطه کاخ شنیدند. محافظان غنی تلاش کردند تا او را به داخل رهنمایی کنند. (ص ۲۰ مقاله)

۸۵- ظهر محب با غنی در کتابخانه اش پیوست. آنها موافقت کردند که رولا، همسر غنی و کارکنان غیر ضروری به زودترین فرصت به امارات انتقال شوند، مرجع ارتباطی امارت با محب چوکیها را در طیاره امارت که قرار بود ساعت چهار بعد از ظهر از کابل پرواز کند قبول کرد. غنی از محب خواست که رولا را الی دویی همراهی کند و سپس با هیأت مذاکره در دوحه بپیوندد تا مذاکرات تسلیمی کابل را با خلیلزاد و برادر نهایی سازد. (ص ۲۰ مقاله)

۸۶- حوالی ساعت یک محب پیام تکست از خلیل حقانی یکی از رهبران گروه طالبان که بنام فامیلی اش یاد میشد گرفت، خواست که با او صحبت کند او پیام را از یک نمبر پاکستان گرفت، پیام حقانی، را محب بخاطر دارد، این بود که تسلیم شو؛ او گفت که آنها می توانند پس از صدور بیانیه مقتضی با محب ملاقات کنند، وقتی محب گفت ما اول مذاکره نمایم، حقانی گفتار خود را تکرار و تلفون را قطع کرد. محب تام وست معاون خلیلزاد را در دوحه تلفون کرد تا او را از تلفون مطلع سازد. وست برایش گفت به هیچ جا به ملاقات نروی ممکن تلکی برایت باشد. (ص ۲۰ مقاله)

۸۷- محب در حدود ساعت دو به محل اقامت غنی بازگشت. او رولا را در یک موتوربه ایستگاه ای هلیکوپتر در پشت کاخ دیلکوشاه همراهی کرد، قرار بود به میدان هوایی بین المللی حامد کرزی پرواز و خود را به پرواز امارت برسانند، از جمله چهار هلیکوپتر ۱۷- MI ریاست جمهوری سه پروند در ارگ و چهارم در میدان هوای بین المللی حامد کرزی بودند. او متوجه شد که پیلوتهای هلیکوپترها مواد سوخت کافی در هلیکوپترها انداخته اند زیرا میخواستند آنها نیز به اسرع وقت چون پیلوتهای نظامی که در روزهای اخیر به تاجکستان یا اوزبکستان پناه برده بودند پرواز کنند بودند، پیلوتان نمی خواستند با رولا به میدان هوایی بروند، زیرا گزارش هایی دریافت کرده بودند که سربازان سرکش افغان ای هستند که هلیکوپترها را متوقف یا مانع پرواز میشوند. کوچی، قومندان گارد ریاست جمهوری به محب نزدیک شد " (ص ۲۰ مقاله) او گفت: "اگر شما بروید، جان راییس جمهور در خطر خواهد بود، محب پرسید. میخواهی بمانم؟" (ص ۲۰ مقاله)

۸۸- نه، من از شما می خواهم که رئیس جمهور را با خود ببرید. (ص ۲۱ مقاله)

۸۹- محب تردید داشت که در صورت ورود طالبان به محوطه قصر، تمام محافظان غنی وفادار بمانند، و کوچی اشاره کرد. که او ابزاری برای محافظت از رئیس جمهور ندارد. محب به رولا کمک کرد تا سوار هلیکوپتر رئیس جمهور شود و از او خواست صبر کند. او با کوچی به سواری موتوربه محل اقامت رایس جمهور برگشت. " (ص ۲۱ مقاله).

۹۰- او غنی را دید که داخل ایستاده بود و دستش را گرفت. "آقای. رئیس جمهور، زمان آن فرا رسیده که باید برویم غنی میخواست برای جمع آوری وسایل به منزل بالا برود، اما محب نگران بود که به تاخیر افتادن هر دقیقه آنها، خطر آن می‌رود که محافظین دست و پاچه شده دست به شورش بزنند، غنی بدون پاسپورتش سوار موتر شد. (ص ۲۱ مقاله)

۹۱- حدود ساعت دو و نیم، پیلوتها انجنهای سه هیلکوپتر M-۱۷ باقیمانده را روشن بالای باغ ارگ پرواز و از فضای کابل به سمت شمال بطرف شهرای سالنگ و فراتر از آن به دریایی آمو و ازبکستان رفتند. (ص ۲۱ مقاله)

هوگلارنس، سفیر پیشین ایالات متحده امریکا در کابل، در یک مصاحبه اختصاصی با افغانستان اینترنشنل می گوید که کشورش با عمل نکردن به تعهدات خود، به "مردم افغانستان خیانت کرده است" از نظر او، تصمیمهای دونالد ترامپ و جو بایدن، یکی از دلایل اصلی سقوط حکومت قبلی افغانستان بود. (افغانستان انترنشنل)

لینکهای نهایت دلچسپ صوتی و تحریری مرتبط به قضایای اخیر در افغانستان.

## The Failure in Afghanistan and the Fallout for Global Security

[Christopher Alexander](#)

August 20, 2021

[https://www.cigionline.org/articles/the-failure-in-afghanistan-and-the-fallout-for-global-security/?utm\\_source=cigi\\_newsletter&utm\\_medium=email&utm\\_campaign=supply-chain-regulation-in-the-service-of-geopolitics](https://www.cigionline.org/articles/the-failure-in-afghanistan-and-the-fallout-for-global-security/?utm_source=cigi_newsletter&utm_medium=email&utm_campaign=supply-chain-regulation-in-the-service-of-geopolitics)

لینک نمبر (۱) متن انگلیس مصاحبه مایکل مورال با داکتر زلمی خلیل‌زاد.

[Former Afghanistan envoy Zalmay Khalilzad on dealing with ...](#)

لینک نمبر (۲) ویدیو ای مصاحبه مایکل مورال با داکتر زلمی خلیل‌زاد.

<https://art19.com/shows/intelligence-matters/episodes/a17f7f07-8859-4da1-8104-d8b9e38e887d>

لینک نمبر (۳) ذیل متن مکمل موافقه صلح امریکا با طالبان.

[https://en.m.wikisource.org/wiki/Agreement\\_for\\_Bringing\\_Peace\\_to\\_Afghanistan](https://en.m.wikisource.org/wiki/Agreement_for_Bringing_Peace_to_Afghanistan)

در ذیل یکی از مقالات دلچسپی است که بعد از سقوط دولت جمهوری اسلامی به نشر رسیده.

---

د پانوی شمیره: له 23 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

The Taliban takeover of Afghanistan was a predictable tragedy. Here's why  
If the invading westerners were trying to win hearts and minds in the country, they went about it in  
exactly the wrong way.

<https://www.thestar.com/opinion/contributors/2021/08/22/the-taliban-takeover-of-afghanistan-was-a-predictable-tragedy-heres-why.html>



By [Haroon Siddiqui](#) Special to the Star

Sun., Aug. 22, 2021 timer 7 min. read

در ذیل مصاحبه جان بولتن مشاور امنیتی راند ترمپ با صدای امریکا.

<https://fb.watch/aYgxUQTpLW/>

در لینک ذیل مصاحبه یکی از کارکنان امریکای در باره عواقب ناگوار اخراج عجولانه امریکا از افغانستان.

[https://fb.watch/aYfBj\\_FFRp/](https://fb.watch/aYfBj_FFRp/)

در لینک ذیل ببینید که امریکا بیش از دو تریلیون دالر در دو دهه در افغانستان مصرف نمودند اهداف شان چه بود

<https://www.facebook.com/100007123809876/posts/3042224386024992/?d=n>

در ذیل لینک متن موافقه صلح امریکا با طالبان.

[https://en.m.wikisource.org/wiki/Agreement\\_for\\_Bringing\\_Peace\\_to\\_Afghanistan](https://en.m.wikisource.org/wiki/Agreement_for_Bringing_Peace_to_Afghanistan)

---

د پانوی شمیره: له 24 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ



متن مکمل مقاله مورخ ۱۰ دسمبر ۲۰۲۱ م. Steve Coll , Adam Entous. در لینک ذیل.

<https://www.newyorker.com/magazine/2021/12/20/the-secret-history-of-the-us-diplomatic-failure-in-afghanistan>

---

د پانډو شمیره: له 25 تر 25

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ